

# مخبر

۱۴

سال اول  
تیر ۱۳۵۸  
هفته اول

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

تک شماره ۱۰ ریال

## در این شماره

- نهضت شیعیان عراق
- تحولات اخیر خرمشهر
- «زیست‌نامه سیاسی» کیانوری
- تحصن کارگران و کارکنان شرکت «زمینه»
- خواست بحق زنان کارآموز قضائی
- برگزینی از کارنامه سیاه کمیته مرکزی حزب توده
- رژیم تیره کی اعتراض می‌کند
- در باره شوراهای دهقانی

## منطق امپریالیستی سفیر شوروی

ابرازشکا رطرزفکرا میریالیستی تزارهای نوین و پاسخ‌های قاطع و صریح امام دررد آنها بود.

امام نخست دخالت شوروی در افغانستان را یادآور شده گفتند: «ما میل داریم افغانستان که یک مملکت اسلامی است مسائلش اسلامی حل شود، دخالت شوروی در آنجا، در ایران هم اثر خواهد گذاشت و ما هم از شوروی می‌خواهیم در افغانستان دخالت نکند» و سفیر شوروی در پاش میگوید: «هیچوقت ما در جایی دخالت نمی‌کنیم!»؟ در همان حین که سفیر شوروی چنین ادعائی دارد، هواپیماهای میگ شوروی از تاجیکستان برخاسته و مواضع چریکهای خلق افغانستان را بمباران می‌کند و اخبار مربوط بان بر روی تلکس و گزارشات خبرگزاریه است. سپس سفیر شوروی میگوید که نمیداند چرا مردم در تظاهرات، آمریکا و سپس شوروی را دشمن خود قلمداد میکنند و میگویند دست شوروی کوتاه باید گردد. وی بیشرمی را بدانجا میرساند که ادعا میکند: «البته ما میفهمیم بعضی

روز ۲۲ خرداد، سفیر شوروی با امام خمینی ملاقات کرد. ملاقاتی که ویژگی‌اش،

## ادامه توطئه‌گری دژخیم ساواک

حیوان بیان میکند چیست؟ درست همان چیزی که ساواک سالها علیه جنبش خلق و علی‌ه مبارزین تبلیغ کرد، تنها تفاوت بقیه در صفحه ششم

در روز ۲۷/۳/۵۸ یکشنبه برای شرکت در جلسه سوم دادگاه داد و شکنجه‌گر، آرش و تهران، ساعت ۹ صبح به درب شرقی زندان که محل ورود به دادگاه میباشد مرا حه کردم در ابتدا گفتند که خلوی درب منتظر باش تا بموقعش همراه بقیه خبرنگاران بداخل وارد شوم، پس از بیست دقیقه که تعدادی دیگر خبرنگار رسیدند، همگی داخل شدیم و کارتهای خبرنگاری ما را مورد بررسی قرار دادند. موقعیکه

## در قانون اساسی پیشنهادی

فرهنگ، مذهب و ترکیب ملی و طبقاتی جامعه و کشور ما تدوین گردد. ما به صراحت اعلام کردیم که قانون اساسی باید به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بویژه رفاه زحمتکشان خدمت کند. مسائل اساسی انقلاب و جنبش مردم ما در یک سال و اندی گذشته چیزی بجز مبارزه بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی (رفاه خلق بویژه زحمتکشان) نبود. بقیه مسائل، در عین اینکه اهمیت زیادی هم داشتند، برای زیربنای محکم استوار بودند. مردم ما برای چه مبارزه کردند، همه مبارزت کشیدند، مگر نه اینکه ایران ما را امپریالیست‌ها و دواب قدرت بویژه آمریکا به تاراج و بقیه در صفحه دوم

هفته گذشته با لایحه متنی پیشنهادی پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی از طرف دولت بطور غیررسمی انتشار یافت، هر چند آقای سبحانی معاون نخست وزیر اعلام داشت که هنوز مقدمه این قانون انتشار نیافته و چند ماده آن باید بنظر امام خمینی برسد ولی در عین حال افزود که این اساس همان طرح اصلی است و میتوان آنرا مورد بحث و بررسی قرار داد. ما قبلا در مقاله در رنجبر شماره ۱۰۱۲۰۵ را جمع به قانون اساسی نوشتیم، و نظرات اساسی خودمان را بیان داشتیم. گفتیم که قانون اساسی باید مرتبط با مرحله انقلاب ما و ناشی از انقلاب اسلامی مردم ما (انقلابی ضد امپریالیستی و دموکراتیک) باشد. گفتیم که قانون اساسی باید با در نظر گرفتن تاریخ،

کردستان  
اصول وحدت بزرگ خلق

# اصول وحدت بزرگ خلق

هفته گذشته در سنندج، کنفرانسی درباره‌ی مسئله خود مختاری کردستان بدعوت آقای مفتی زاده برگزار شد. تشکیل این کنفرانس با عکس العمل‌های گوناگونی و عمدتاً منفی، از طرف دیگر نیروهای سیاسی کرد و فعال در کردستان روبرو گردید.

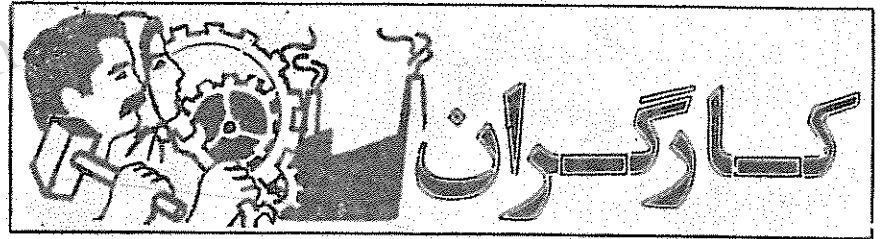
کنفرانس و عکس العمل‌های مربوط به آن، بار دیگر مسئله مهم جنبش ملی در کردستان ایران بطور خاص و چگونگی حل صحیح مسئله ستم ملی بر خلق‌های ایران را بطور اعم، برجسته ساخت.

خلق کرد و جنبش ملی کردستان ایران با مشکلات و دشمنان زیادی روبروست. امپریالیستها، بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه، رویزیونیستهای بومی چون حزب توده، عمال امپریالیسم آمریکا

چون "قیاده موقت" بارزانی، عمال ساواک، عناصر دیگر وابسته به قدرتهای خارجی چون بعث عراق، فئودال‌های وابسته به بیگانگان و... همه از دشمنان سر سخت جنبش ملی کردها هستند.

اما خلق کرد در مقابل این دشمنان نه تنها ضعیف نیست، بلکه خلقی است با نیروی لایزال مبارزاتی، سابقه طولانی نبرد، سابقه وقدرت نظامی خوب، همدردی سایر خلق‌های ایران با آگاهی بالای ملی، خلقی که تا بحال در راه طولانی آزادی خود شکست‌ها و پیروزی‌ها دیده. اما اگر سیر تاریخ را بگیریم، قدم به قدم به جلو رفته، دستاورد بدست آورده و پیشرفت کرده است و آینده‌اش نیز بیشک درخشان است.

اما در این مسیر طولانی رهائی، خلق کرد در انتهای راه بقیه در صفحه چهارم



## تخصن کارگران و کارکنان شرکت «زمینه»

تا رسیدن بخواست‌های قانونی خود به تخصن اقدام می‌دهیم

"کارکنان شرکت زمینه" "کارگاه شهرک دانشگاه" آقای لاجوردی، بعلت عدم پرداخت حقوق، ما کارکنان و کارگران "زمینه"، از رهبر انقلاب امام خمینی استمداد می‌کنیم

ما کارکنان شرکت زمینه تا دریافت حقوق عقب افتاده ۴ ماه خود بتخصن خود اقدام می‌دهیم

مدیران اصلی (سها مداران) بقیه در صفحه چهارم

از صبح روز ۲۱/۳/۵۸ کارکنان و کارگران ساختمانی کارخانجات شیر یاستوریزه خرم آباد، دزفول، زنجان، همدان، شهرک دانشگاه، شهرک خانه سازی گاز سرخس، پتروشیمی شیراز و سیمان آریا در دفتر مرکزی شرکت زمینه واقع در خیابان سپهد قره‌نی دست به تخصن زدند و پلاکاردها و همچنین قطعنامه‌شان را بدست قسمت خارجی ساختمان دفتر مرکزی نصب کردند.

پلاکاردها عبارت بودند از: دولت باید برای حل مشکل زحمتکشان اقدام انقلابی بعمل آورد.

صودنی به ارتجاع در سطح کشور، منطقه و جهان خدمت کرد. اکنون که این حیوان به اسارت در افتاده، دردم‌مرگ نیز، همانند آنچه در ماهیت جلادانی چون اوست، دست از توطئه علیه خلق بر نمی‌دارد و تلاش میکند تا دگاه را به صحنه‌ای برای آدامسه‌ی توطئه‌های ساواک و امپریالیسم، ولی با پوششی جدید، تبدیل کند. محتوی ترهاتی که این

حیرت بر سید است. ضمنی در شادیم و کارتهای خبرنگاری ما را مورد بررسی قرار دادند. موقعی که نوبت من رسید، گفتند که این هفته نامه را نمی‌شناسند، اعتراضات مرا به این عمل به هیچ گرفتند و گفتند در نشریات آن هرچه میخواهی بنویسی، بنویس. در همین لحظات تعدادی دیگر خبرنگار بقیه در صفحه ششم

# تحولات اخیر خرمشهر

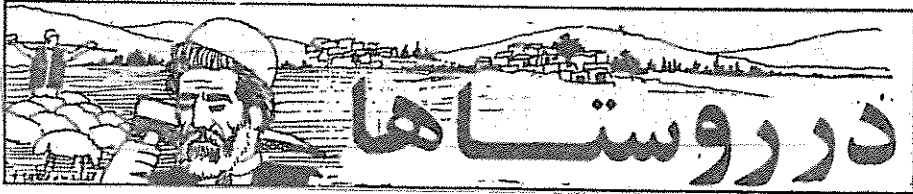
روز جمعه ۱۸ خرداد، با سخنرانی آقای گل سرخی، از طرف هیئت اعزامی آقایان آیت الله شریعتی و آیت الله قمی، که از طهران آمده بودند و با انعقاد قطعنامه‌ی ۸ ماده‌ای بین حضرت آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیرخانی با استاندار مدنی، تحصن خلق عرب ایران که در مسجد امام الصادق شهر صورت گرفته بود، رسماً پایان رسید. حضرت آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیرخانی مردم را به آرامش و بازگشت به منازل خویش دعوت مینماید و همه متحمنین به خانه‌های خویش باز میگردند.

خلق عرب ایران که همچنان بدنبال تحقن خواستهای بحق خویش میباشند، هنوز از خسود میپرسند کشتاری که در خرمشهر خون فرزندان خلق‌های ایران را جاری ساخت، چرا و به چه دلیل صورت گرفت و جدا خواستار محاکمه و مجازات کلیه‌ی عاملین این توطئه ضد خلقی و ضد ملی هستند.

پای صحبت توده‌های خلق عرب نشستیم. آنها یکدل و یک صدا تنفر خود را از هر فرصت طلبی که بخواد جریانات اخیر خرمشهر را به دستاویزی برای توطئه علیه جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی تبدیل کند ابراز داشتند.

از روز جمعه (پایان تحصن)، آرامش نسبی در شهر خرمشهر برقرار است. در این میان، انفجار بقیه در صفحه هفتم

نوبه با پدر دردی. وی بیسر می رابدانجا میرساند که ادعا میکند: "البته ما میفهمیم بعضی مردم در مورد بعضی از مسائل سیاسی وارد نیستند، باید آنها را راهنمایی کرد...". آیا مردم میهن پرست ما که با گوشت و پوست خود تا زیانه استعما را میریالیسم را لمس کرده‌اند، دوست و دشمن خود را نمی‌شناسند و فقط دا رودسته بر ژنرف و همپالگی‌ها یش می‌فهمند؟ خیر آقای سفیر، مردم ما خوب می‌فهمند که کشور شما دوست و قیم ایران نیست، مردم زحمتکش شوروی نیز این مسائل بقیه در صفحه پنجم



# اخبار از روستاهای فارس

ده‌گره دون در ۱۲ کیلومتری غرب بندامیر فارس قرار دارد، چند روز قبل چند نفر سواری بر یک کتا سفید رنگی قصد آتش زدن مزارع را داشتند. وقتی آتش به مزرعه میافتد زنان روستای خیرشده و آتش را خاموش می‌نمایند. ولی با وجود این مقداری از محصول زمین می‌رود.

همین حادثه در اطراف دریاچه مهارلو اتفاق افتاده و بیس از پنج هکتار زمین که جو و گندم کاشته شده بود آتش زده، و همین تومبیل نیز در آن نزدیکی دیده شده است. بنظر میرسد این عملیات تخریبی را با زماندگان رژیم سابق انجام میدهند.

در روستای کلاسیاه، ۶ کیلومتری بندامیر فارس ۶ کیلومتری شیراز، شخصی بنام نصره ۱۵ هکتار از بهترین زمینهای دهقانان را بزور تصاحب کرده و اکنون روستائیان در صدد بازپس گرفتن زمینهای خود هستند. مباحثات این شخص عده‌ای تفنگچی و چماق بدست

بقیه در صفحه دوم

### کمبودهای جدی...

بقیه از صفحه اول

چپا اول می بردند، مگر نه اینکه مردم ما، خلقهای کشور ما، اقلیت های ملی ما، در زیر بار جور و ستم و خفقان و دیکتاتور فاشیستی محمد رضای جانی و خائن وزیر بار ستم ملی، به تنگ آمده بودند و مگر نه اینکه در کنار میلیاردها دلار درآمد نفت اکثریت مردم ما فقیر و از حد اقل و بلا ثل زندگی و معیشت و بهداشت و آموزش و مسکن محروم بودند و در کنار کاخ های طاغوتی سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ و بویژه خاندان ننگین پهلوی، میلیونها کارگر و دهقان در رنج و فقر و فاقه بسر میبردند؟ آری چنین بود، و مردم ما برای کسب استقلال، استقلالی لال از امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت، برای کسب آزادی، آزادی های فردی و اجتماعی، آزادی برای ملیتهای تحت ستم، و آزادی واقعی زنان، و بالاخره برای عدالت اجتماعی، برای کسب حقوق پایمال شده میلیونها کارگر و دهقان و برای تأمین یک زندگی آبرو مند و شرافتمند و مرفه برای آنان دست به انقلابی شکوهمند زدند. انقلابی که ستون اصلی آن، لشکر اصلی آن راهمین کارگران، همین دهقانان، همین زحمتکشان تشکیل میدادند.

اکثریت عظیم مردم ما در عین مسلمان بودن و اعتقاد دین اسلام، برای دادن به جمهوری اسلامی به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی رای دادند. استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی محتوی اصلی جمهوری اسلامی است و باید باشد. این چیزی بود که مردم ما میخواستند. این چیزی بود که همه و خود ما هم آنرا بدرستی وعده داده بودند.

قانون اساسی ای که از دل این انقلاب بیرون آید باید اساساً به این سه اصل خلق خدمت کند، آنرا تشریح کند، آنرا تضمین کند. قانون اساسی پیشنهادی که در ۱۵۱ اصل در دست ماست با وجود داشتن نکات مثبت و مترقی در رابطه با سه اصل خلق یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دارای کمبودهای جدی است. این نقائص بحدی جدی هستند که باعث قطع رابطه لازم و سروری بین انقلاب اسلامی مردم ما و آنرا که باید، قانون اساسی

در زمینه آزادی با وجودیکه چند اصل بطور مفصل راجع به تعدادی از آزادیهای فردی و اجتماعی صحبت میکنند ولی از دو مسئله مهم در آن خبری نیست: اول مسئله ملیتها و حقوق آنهاست. با وجودیکه در اصل ۵ راجع به تساوی حقوق "اقوام" فارس، ترک، ترکمن، عرب و نظایر اینها صحبت میکنند و در اصل ۷۴ شورای ده، بخش شهر، شهرستان یا استان را مطرح میسازد و در اصل ۲۱ استفاده از "زبانهای محلی" در مدارس و مطبوعات محلی را آزاد میداند معذالک قانون اساسی پیشنهادی از برسمیت شناختن این واقعیت که در جارجوب ایران مستقل و یکپارچه ملیتهای مختلف، ملیتهائی که دارای سابقه طولانی مبارزه مشترک علیه امپریالیسم و استعمار و تحا و زخارجی و مبارزه مشترک علیه شاهان جلاد و سفاک و طبقات حاکمه بیرحم و جانی بوده اند، وجود دارند سرباز میزند. چرا؟ چه احتیاجی به نفی این واقعیت است؟ مگر خلق کرد، ترک یا عرب و غیره دوشادوش برادران و خواهران فارس خود مبارزه نکردند تا همه آزاد شده و همه برادروا و رومتحد در داخل ایرانی مستقل و آزاد زندگی کنند؟ چرا نباید به سهم آنها از انقلاب و به حق آنها احترام گذارد؟ بهترین راه مبارزه با امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت و ضد انقلابیونی که میخواهند ایران عزیز ما را دچار تجزیه کنند و آنرا قطعه قطعه نمایند، در اینست که واقعیت کثیرالملله بودن ایران را بپذیریم. حقوق برادران ملیتهای تحت ستم را صمیمانه برسمیت بشناسیم و قاطعانه بر علیه تجزیه طلبان مبارزه کنیم و آنوقت خواهیم دید که چطور ایرانی یکپارچه تر و متحدتر داشته و همه نیروها تبدیل بیک مشت واحد شده و همه با هم علیه امپریالیسم و تجزیه طلبان مبارزه خواهند کرد. مساله دوم مساله حقوق زنان است. چند اصل ۲۲ همه افراد ملت اعم از زن و مرد را در برابر قانون مساوی میدانند و در اصل ۱۲ صحبت از در نظر گرفتن امکانات مادی و معنوی با مردان، مادران، و...

صریح و روشن حقوق زحمتکشان را بیان دارد و تکالیف و وظایف دولت، از قوه مجریه گرفته تا مقننه و قضائیه را در برابر زحمتکشان معین کند. جای مساوی مثل حق اعتصاب در کجاست؟

اصل ۲۶ صریحاً آزادی احزاب و جمعیتهای سیاسی را تضمین میکند و اصل ۵۱ برای نمایندگان مجلس شورای ملی سوگندی را در نظر گرفته که فقط نمایندگان مسلمان، کلیبی و مسیحی و زرتشتی میتوانند آنرا ادا کنند. آیا این دو اصل با هم در تضاد نیست؟ آیا آزادی احزاب از یک جنبه باین معنا نیست که اگر مردم برنامه ها و حرفهای حزب معینی را بپذیرند و باندازهای آن حزب طرفدار پیدا کرد که یک یا چند نماینده آن حزب را مردم براء، مجلس شورای ملی انتخاب کردند آن حزب بتواند نماینده یا نمایندگان در مجلس داشته باشد؟ قطعاً باید اینطور باشد ولی اگر مبنای عقیده تسی آن حزب با هیچکدام از چهار سوگند پیش بینی شده تطابق نداشته آنوقت تکلیف نمایندگان انتخاب شده چه خواهد شد. یا نویسندگان متن پیشنهادی برای این عقیده اند که آزادی احزاب (بامبانی عقیدتی بغیر از چهار ردیمن فوق الذکر) بمعنای حق داشتن نمایندنده در مجلس شورای ملی نیست حتی اگر باندازه کافی رای بیاورند، یا اینکه برای این اعتقادند که چنین احزابی اصولاً یا وجود ندارند و یا اگر وجود دارند هیچگاه نخواهند توانست در میان مردم طرفدارانی پیدا کنند.

یک مساله مهم دیگر که در رابطه با تدوین و تصویب قانون اساسی وجود دارد بحث چگونگی تدوین و تصویب است. مادر شماره ۱۲ رنجبر در این باره نظر خود را گفته ایم. با زهم تکرار میکنیم که بحث قانون اساسی باید بیک بحث و مشاوره عمومی همه مردم تبدیل شود و در انحصار "خبرگان" باقی نماند چرا که قانون اساسی انعکاس خواستها، نیازمندیها و حقوق مردم است و اینها را فقط از میان خود مردم و با بسیج آنهاست که میتوان بدون کشید و تدوین

بقیه از صفحه سوم  
سطح معلومات در راه آهن یائین است، بطوریکه از ۴۲ هزار نفر کارکنان راه آهن، بیش از نیمی بیسوادند و بقیه نیز عتا ۹ کلاس سواد دارند و تعداد کمی دارای دیپلم ولیسانس هستند یکی از عواملی هم که در گذشته روسا و بطور کلی راه آهن نسبت به کارگران اجحاف میکردند بهانه قراردادن همین کمی سواد بود. مبارزات کارگران:

کارگران راه آهن در سال سابقه مبارزاتی طولانی هستند. اولین مبارزات و اعتصابات کارگری در راه آهن به زمان احداث راه آهن سراسری بر میگردد. بعد از آن هم مبارزات و اعتصابات بیسوده. در دوران انقلاب نیز کارگران راه آهن دوبار اعتصاب کردند که یکبار در تهران و بار دوم، کلیه کارکنان راه آهن در تمام ایران، که اعتصاب بسیار در دو ماه و چند روز طول کشید. بعد از انقلاب:

طرز برخورد مسئولین و رؤسا با کارگران، بعد از انقلاب کمی تغییر کرده و بهتر شده، در حالی که در گذشته کسی نمیتوانست نفس بکشد. با وجود این، هنوز بعضی از رؤسا هستند که منافع کلیه کارکنان زحمتکش راه آهن را در نظر نمی گیرند. هنوز بعضی از آنها به رشوه خواری و پارتی بازی و اجحاف به کارکنان ادامه میدهند. حتی در کار نمایندگان واقعی کارگران هم اخلال میکنند. قبل از انقلاب، هر قسمتی یک نفر را بعنوان باصطلاح "نماینده" انتخاب کرده بود که اینها فقط برای خودشان

### کارگران ایرانی در...

بقیه از صفحه سوم  
شده اند راه ورود به این کشورها را بیابند. آنها معمولاً بین دو تا سه سال را در آنجا میمانند و سپس برای دیدار خانواده های خود سفر کوتاهی به ایران میکنند، ولی پولی که با خود میآورند کفاف بیش از چند صباحی را نمیدهد. سر صحبت را با

### نگاهی به شرایط کار...

کار میکردند. یعنی اگر برای طرح خواستهای کارگران میرفتند، رؤسا امتیازی به خود آنها میدادند و آنها را میخریدند. ولی بعد از انقلاب، نمایندگان واقعی کارگران انتخاب شده اند، اما بتحریک بعضی از رؤسا میخواهند با زهم همان نمایندگان قبلی که در واقع نماینده کارگران نبودند بلکه نماینده رؤسا بودند، سر کار بیاورند.

چند سال قبل بولسی از کارگران گرفتند و گفتند برای تان زمین خریده ایم که خانه بسازیم. ولی هنوز به این وعده خود وفا نکرده اند. و با همین دو سال پیش بود که با سم وزارت راه و ترابری از کارگران پول گرفتند که خانه بسازند و زحمتکشان راه آهن با فروش فرش، تلویزیون، یخچال، وسایل و سایر زندگی خود، ۲۰ تا ۵۰ هزار تومان دادند بدل خوشی خانه. ولی آنرا هم میخواستند بالا بکشند که با اعتراض شدید کارگران روبرو شدند و مقصدی از پولها را پس دادند، البته بعد از دو سال! این، زیر سر همان روسائی بود که هم اکنون معاونان آنها جایشان را گرفته اند.

- خواستهای کارگران:
- ۱- تفکیک و ارزشیابی شغلی، با توجه به اینکه کار در راه آهن با سایر ادارات دولتی تفاوت دارد و تشابهی بین آنها نیست.
  - ۲- مسکن و یا لاقبل پرداخت حق مسکن به کارگران.
  - ۳- سرویس برای کسانی که ساعت کار معینی ندارند.
  - ۴- حق اضافه کار برای ما موریین قطار.

با رگمرک کار میکنم، روزی سیزده ساعت کار میکنم و با مزدی که میگیرم وقتی که حساب میکنم، برای مصرف خانواده ام که الان در ده هستند بیشترین است. من حاضریم با کمترین مزد در همینجا کار کنم. کسانی که از مسائل ما در خارج بی اطلاعند فکر میکنند که ما آنجا پول جا رو میکنیم و نمیدانند که ما با چه زحمتی یک لقمه نان بدست

هستند که باعث قطع رابطه لازم و سروری بین انقلاب اسلامی مردم ما و آن روحی که باید در قانون اساسی متجلی شود، میگردند.

در تمام متن پیشنهادی اسمی از امپریالیسم، استعمار و صهیونیسم برده نشده است. قانون اساسی یک سند خشک، بیجان و مرده نیست که بدرکتا بخانه دانشکده های حقوق بخورد. قانون اساسی باید یک سند سیاسی زنده و پرتحرکی باشد که متاثر از انقلاب مردم بوده و آنرا با تمام اصلتها و ویژگیها پیش منعکس کند.

انقلاب اسلامی ما یک انقلاب عمیقاً ضد امپریالیستی است و پیروزی انقلاب ما پیروزی بشر امپریالیسم، استعمار و صهیونیسم بود. چرا در هیچ کجای این متن و مثلاً در اصل ۸۷ و اشاره ای به این جنبه انقلاب ما و لاجرم اشاره ای به محتوی ضد امپریالیستی سیاست خارجی کشور ما نمی شود؟

یکی از دلائل از دست رفتن استقلال کشور ما و تثبیت سلطه امپریالیسم و استعمار در ایران، وجود سرمایه داری وابسته به امپریالیسم، سرمایه داری دلال است و می باشد. برای کسب استقلال کامل و عدم وابستگی به امپریالیسم، برای ایجاد درشداقتصاد ملی و ایجاد امکانات برای سرمایه داری ملی که بتواند به رشد اقتصاد ملی خدمت کند لازم است ریشه ایین علفهای هرزه را از خاک اقتصاد ایران کند و اقتصاد ملی را از آنان وجین نمود.

در متن پیشنهادی هیچ برخورد مشخصی به این سرمایه های وابسته با امپریالیسم نشده است. مردم ما با گوشت و پوست خود در ریخته اند و در انقلاب فریاد سرداده اند که دست سرمایه داران عامه امپریالیسم باید کوتاه شود. کاملاً روشن شده است که سرمایه ای این دسته از سرمایه داران، باعث وسیله زیان و تجاوزه منافع عمومی شده است و دیگر جای کلی گوئی نیست و باید مشخصاً قانون اساسی در مورد این سرمایه ها صراحت کلام داشته باشد و آنها را مصادره شده و ملی اعلام نماید.

مساوی میدانند و در اصل ۱۲ صحبت از در نظر گرفتن امکانات مادی و معنوی برای مادران در قوانین راجع به خانواده میکنند ولی متن پیشنهادی صریحاً مساوی برسمیت شناختن کامل حقوق زن را مطرح نمیکند. در برابر قانون مساوی بودن با مساوی بودن حقوق خیلی فرق میتوان داشته باشد. آیا این زنان مبارز و دلاور ما نبودند که در این انقلاب عظیم دوشادوش و چه بسا پیشاپیش مردان ما در انقلاب شرکت کردند، فداکاریها نمودند و خونها دادند؟ چگونه میتوان بزنان ما گفت که با مردان ما برابران نشان باشوهرانشان دارای حقوق مساوی نیستند. این از شأن انقلاب بزرگ مردم ما بدور است که در این مورد با تبعیض برخورد کند. خواست قاطبه زنان کشور ما بویژه زنان زحمتکش اینست که به مسائل خاص زنان توجه شود، ریشه علل عقب نشینی آنها شده. شدن آنان قطع شود با آنها درجا معیار احترامی که شایسته مقام ارجمند آنهاست رفتار گردد و به حقوق مساوی و برابر با مردان دست یابند. حقوق مساوی برای زنان را نمیتوان فدای مسائل دیگر کرد. مسائل دیگر را باید طوری تفسیر و تعبیر کرد تا تغییر دادگاه در خدمت تساوی حقوق زنان با مردان باشد.

قانون اساسی انقلابی که ستون اصلی آن و نیروی عظیم میلیونها نفره آن زحمتکشان بوده اند باید بوضع سخت آشفته و نابسامان این زحمتکشان بیشتر از آنچه که فقط در اصل ۲۹ آمده است توجه داشته باشد. هر چند مسائل مشخصی و حقوق کامل زحمتکشان باید در قوانین کار و غیره، که جدا از قانون اساسی اند، بطور کامل توضیح و تشریح گردد ولی مگر نه اینکه قانون اساسی در حقیقت اعلامیه یا بیانیه حقوق مردم است و اکثریت قاطع این مردم را کارگران و دهقانان و زحمتکشان تشکیل میدهند؟ قانون اساسی بجهتسای مطلق گوئی و در پرده گفتن های بی محتوا که سبک بورژوازی غرب است باید بطور

مردم است و اینها را فقط از میان خود مردم و با بسیج آنهاست که میتوان بیرون کشید و ترویج کرد. مادرعین اینکه موافق در تسریع کار تصویب قانون اساسی هستیم ولی تنها ضمانت اینکه یک قانون اساسی خوب و متناسب با ویژگیهای انقلابیان داشته باشیم آگاه کردن مردم در مورد خصوصیات این قانون اساسی و نظرخواهی و مشاوره با مردم است.

این چند زمینه نواقصی بود که بنظر ما در برخورد اولیه به متن پیشنهادی به چشم میخورد. ما در این باره در مقالات بعدی بیشتر صحبت خواهیم کرد.



### برگهائی از ...

بقیه از صفحه هشتم  
خطیری است که در شرایط خاص و کم سابقه میهن ما خواهدی نخواهی بعهدده دولت شما واگذار شده است ...

ما متاسفیم از اینکه هزاران نفر افراد تحصیل کرده و متخصص و میهن پرست که وجودشان در دورانی که کوشش هائی برای رفع عقب ماندگی کشور میشود، حکم بزرگترین سرمایه را برای میهن ما دارند با بدبا شورو عشق به وطن و علاقه خدمت به میهن سالهای سال محروم از دیدار وطن و ملت و خویشان خود باشند و نیروی ذیقیمت تخصص و علاقه فطری آنها به آب و خاک آب و اجزای در میهن بکار رگمارده نشود.

جناب آقای نخست وزیر توجیه این مطلب که هزاران نفر ایرانی مجبور و محکومند که دیگر روی وطن رانینند با هیچ استدلال و منطقی عملی نیست. شما هم شاید حس کرده باشید که این دزدبندی برای آنها که دور از وطن هستند سنگین و ناگوار است که

به ایران میکنند، ولی بولی که با خود میآورند کفاف بیش از چند صباحی را نمی دهد. سر صحبت را با یکی از این کارگران بازمیکنیم. میگوید که اسمش غلامرضا است و بیست و پنج ساله است، قصد رفتن به ابوظبی را دارد. او از بیکاری در آنجا گله دارد و میگوید که از دو سال پیش تا الان وضع در ابوظبی و دوی تغییر زیبا دکرده است و شرکتهای ساختمان سازی می کنند و تحت عنوان ورشکستگی در میروند. میگوید "تا بحال هزاران تومان را از من خورده اند و دولت آنجا هم به دردمانمیرسد ... با چند نفر دیگر از آنها صحبت میکنیم همه از اوضاع شیخ نشینها ناراضی هستند. میگویند: "اگر ماهی هزار و پانصد تومان در ایران درآمد داشته باشیم به خارج نمیرویم." آنها ضمناً از برخورد مقامات اداره ای گذرنا مه شکایت دارند و معتقدند که آنها دردهایشان را نمی فهمند و به خواستهایشان کم بها میدهند. یکی از آنها میگوید که صاحب چهار بچه است و الان شش ماهه است که کارش در ایران گیر کرده و نتوانسته از کشور خارج شود. میگوید: "من در کوییت در قسمت حمل و نقل

دیگر علاج سریع و مبرم خود را طلب میکنند ... (مردم) شماره ۲۷ - دوره ششم - تیر ماه ۱۳۴۶).  
و این مشی ارتجاعی از نشخوار مستقیم مزخرفات ربا بان امپریالیست روس شان سرچشمه می گرفت، مثلاً آقای پرفسور ایوانف در مورد ۱۵ خرداد می نویسد (تاریخ نوین ایران - ص ۲۵۹):  
... بخش ارتجاعی روحانیون به اتفاق نیروهای ارتجاعی ملاکان از ناخرسندی قشرهای وسیع زحمتکشان، که علی رغم برخی اقدامات رفرمیستی رژیم هر روز شدیدتر میشد، استفاده میکردند. از جمله این محافل کوشیدند تظاهرات وسیع مردم را در ژوئن سال ۱۹۶۳ (مهر ۱۳۴۲) که استفاده از امکانات تجاری در روزهای سوگواری آنها ممکن ساخته بود، در جهت هدفهای خود مورد استفاده قرار دهند ...

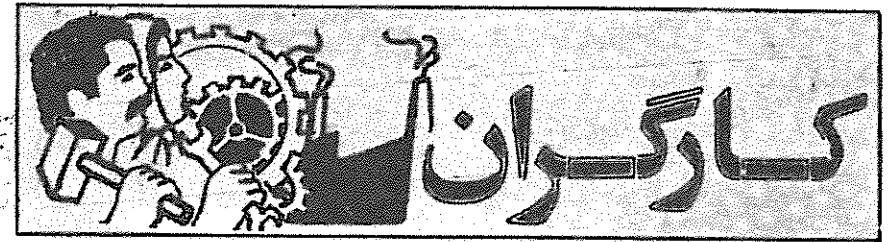
بی اطلاعاتند فکر میکنند که ما آنجا پول جا رو میکنیم و نمیدانند که ما با چه زحمتی یک لقمه نان بدست میآوریم."  
با انجام تغییرات ریشه ای در روستا به نفع دهقانان و بارش تولیدات ملی و در نظر گرفتن رفاه کارگران است که میتوان از مهاجرت زحمتکشان ایرانی به کشورهای خلیج فارس جلوگیری کرد و این نیروی بزرگ سازنده را با تامین رفاه و حقوقش در راه سازندگی ایران قرار داد.

### اخبار از روستاهای فارس

بقیه از صفحه اول رسیدگی شود.

\* بین دهقانان منطقه کربال در ۷۰ کیلومتری شیراز بر سر تقسیم مجدد زمینها تضادهای شدیدی بوجود آمده و در چند مورد به زور خوردبین آنها انجام داده و مجروح شده اند.  
طبق اخباری که بدست ما رسیده عامل اصلی این آشوبها محمد ضرغامی مالک بزرگ منطقه است که در شماره های قبلی "رنجیز" درباره ای او نوشته بودیم.

و آیت الله خمینی ... به تبلیقات علیه دولت اصلاحات ارضی و برابری حقوق زنان پرداخت و ... بدین ترتیب بررسی مساله مذهب در ایران مساله بغرنجی است. امامیت توان همچنین نتیجه گیری کرد که رشد و توسعه عینی کشور و مدرنیزه کردن آن موجب میشود که نقش و نفوذ مذهب و روحانیون در جامعه ایران بتدریج تضعیف و کم شود.  
تا ریخ نویسان امپریالیستی چون ایوانف تصادفاتی نیست. امپریالیستها بغلت ما هیتشان همیشه به قدرت خلق کم بها میدهند، فتنه گری میکنند و در آخر سرشان محکم به سنگ میخورد. وای بحال شاگردانی که اسنادشان احق هائی چون آقای ایوانف باشد



# کارگران در باره جنبش اتحادیه‌ای کارگران

در شرایط مساعدی که پس از پیروزی انقلاب بوجود آمده است، طبقه کارگران به سرعت خود را سازمان میدهد و جنبش اتحادیه‌ای کارگران پس از ۲۵ سال خفقان و سرکوب، شرایطی که امکان هر گونه تشکل و اتحادی را از طبقه کارگران ایران سلب کرده بود، می‌رود تا سندیکاهای سازمانهای واقعی خود را بوجود آورد و سندیکاهایی که مدافع منافع طبقاتی کارگران و سنگ بنای اتحادیونها کارگران ایرانی باشند.

در برخورد با جنبش عظیمی که در حال حاضر در زمینه فعالیتهای سندیکایی در بین کارگران بوجود آمده است، باید به چند نکته توجه کرد. اول اینکه جنبش اتحادیه‌ای کارگران ایران، بعزت شرکت وسیع کارگران در مبارزات یکساله و نیمه اخیر، مهرسیاسی خورده و به سطحی عالیترا از سطح مطالبات صنفی و اقتصادی ارتقاء یافته است. هرگونه تلاش برای تنزل دادن این جنبش به سطح خواستههای فقط اقتصادی، نوعی عقب‌گرد و حرکت قهقراپی خواهد بود. مبارزات کارگران ما در چارچوب اتحادیه‌های کارگری البته دارای منافع زیادی است. بسیاری از کارگران در حال حاضر از نظر شرایط کار و سطح زندگی در موقعیت بسیار بدی هستند و فعالیتهای سندیکایی میتوانند برای بهبود وقت و نسی این شرایط مفید باشد. علاوه بر این، فعالیتهای سندیکایی کارگران رشته‌های مختلف صنایع را با کارگران سایر رشته‌ها در تماس قرار میدهد و زمینه را برای وحدت کارگران و فعالیت مستقل طبقه کارگران فراهم مینماید. ولی کارگران نمی‌توانند نسبت به

## گزارشی از روستاهای...

بقیه از صفحه پنجم  
کرده اند بخاطر فقر و بیکاری بوده است و ممکن است بعضی از آنها دوباره کوچ کنند و بجای دیگری بروند. هیچیک از ترکمنهای ده روی این زمینها کار نمیکنند. هنوز رابطه بین دهقانان با مالکین همان رابطه ارباب و رعیتی است. دهقانان زندگی بسیار بدی دارند، هنوز بعد از سالها کار روی زمین ارباب، خانه‌گلی هم ندارند. بجنوردی - سبزوار - اسفراینی بلوچ - زابلی، اینها کسانسی هستند که روی زمینهای مالکین کار میکنند و مالکین اینها را آورده اند اینجا که فردا ادعایی نتوانند بکنند و بتوانند از آنها کارهای سخت بکشند و آنها نتوانند حرفی بزنند. این کارگران غیر ترکمن ۴ الی ۵ هزار نفرند که بر روی زمین مالکین و همچنین در کارخانه‌نشینان کار میکنند.

دهقانان ترکمن بومی این ده، در شهرها کار میکنند (بنافی - آجریزی - رانندی...) و اینها در مناطق دیگر بکار رقالی باغی اشتغال دارند و یا در شهرها مشغول فروش قالی هستند. زنان خانه‌داری میکنند و یا احیاناً گاوداری (اگر داشته باشند). بعضی هم که زمین دارند (نیم هکتار الی دو هکتار) زان نشان روی آنها کار میکنند و این سرمایه‌ها یعنی گا و زمین هم حالت خودکفائی دارند. دهقانان ترکمنی که دارای ۱۰ هکتار زمین هستند و آنرا حدود ۳ الی ۴۰ هزار تومان خرید کرده‌اند خودشان روی زمین کار میکنند. این ده قبلاً انجمن و کدخدا داشته که حالت نمایی داشتند و هیچکاری نمی‌توانستند انجام بقیه در صفحه هفتم

همه خلقها به انقلاب و دولت احترام میگذارند منتهی این احترام تا آنجا نیست که حقوق آنها ضایع نگردد و مجری انقلاب حق آنها را پایمال نکند. تنها خواهش ما از دولت، از آقای نخست وزیر اینست که هر چه زودتر بمسائل خلقها رسیدگی کند، تا اعتقاد راسخ داریم که دولت و انقلاب اسلامی نمیکاهد حق مردم را ضایع کند.

اما راجع به اتفاقی که در آنجا روی داده دو نظر موجود بود:

۱- اینکه میگفتند زمانی که میخواستند محصول گندم را برداشت کنند بیکی از مالکین گفته می‌شود که از این محصول در ازاء هر ۱۰۰ کیسه، ۳۰ کیسه قبول نمیکند و از کمیته "خان به بین" ۳ نفر مسلح می‌آورد که مسئله‌اش را حل کنند. زمانی که آنها سر زمین می‌رسند دهقانان یکی از آنها را خلع سلاح میکنند و افراد دیگر کمیته بخاطر اینکه اسلحه بدست آنها نیفتد بلافاصله شلیک میکنند و در این میان سه نفر کشته و ۲ نفر زخمی میگردند.

۲- نظریکه بیشتر در میان دهقانان ترکمن رایج است چنین است: ساعت ۱/۵ بعد از ظهر بود که صدای شلیک گلوله شنیدیم، بلافاصله از منزل بیرون رفتیم، دیدیم که سر زمین این مالک شلوغ شده است و خبر آوردند که عده‌ای کشته شده‌اند. جریان از این قرار بنظر می‌آید که این مالک با عده‌ای از زمینداران این ده شورائی تشکیل میدهند که چگونه محصول را برداشت کنند و تصمیم میگیرند که اول مالک مزبور اینکار را بکند، بنابر این او بخاطر اینکه ضرب شستی به ترکمنها نشان دهد اینکار بقیه در صفحه ششم

دهند. بعد از انقلاب شورا بوجود آوردند که اکثر اعضا آن کارگران و در شهرکاری کنند و با در روی زمین کمی که در ده دارند. این افراد بوسیله ستاد خلق ترکمن و مردم انتخاب شده‌اند و مردم اینها را قبول دارند. در ترکیب شورا مالکین ده شرکت ندارند. برای هر کاری مردم را با بلندگو دعوت میکنند و سپس از اجتماع مردم مسائل را با آنها در میان میگذارند و بعد از اینکه مردم نظرشورا را قبول کردند آنرا بنظر ستاد خلق ترکمن میرسانند تا دستورالعمل لازم را ستاد صادر شود. عمدتاً آنها زستاند پیروی میکنند و هیچ کاری را بدون توافق ستاد انجام نمیدهند. در حال حاضر آنها خواهان تصرف زمینهای غصبی هستند و دیگر خواسته‌های آنان کارهای عمرانی ده است مانند جاده، مسکن، آب آشامیدنی که دولت هنوز هم برای آنها کاری نکرده است. ده مسجد دارد. مدرسه یک کلاس پنجم است که آنها بعد از اینکه آنرا تمام کردند برای ادامه تحصیل بایده بروند گنبدیا علی آباد. حتماً ده کار نمی‌کنند. در مانگاه ندارند. شورا هم اکنون در مورد بهداری و کارهای عمرانی و همچنین در مورد زمینهای غصبی با ستاد تماس گرفته ولی هنوز تصمیم ستاد معلوم نیست.

دهقانان با موضع اعتماد به دولت و کوبیدن عناصر ارتجاعی درون کمیته‌ها و دستگای دولتی صحبت میکنند و در مورد واقعه‌ای که در این ده اتفاق افتاده و منجر به کشته شدن سه نوجوان گردیده است می‌گویند: عوامل رژیم طاغوتی چون دستشان کوتاه شده و نمی‌توانند کاری بکنند، بدین جهت در کمیته‌ها رخنه کرده‌اند تا به دولت و انقلاب لطمه بزنند دولت بارها گفته که

مخواهد کمیته‌ها را پاکسازی کند ولی هنوز از آن خبری نیست. این بار اول نیست چنین اتفاقی میافتد دولت باید زودتر تصمیم خودش را بگیرد.

نگاهی به شرایط کار  
از نامه یک کارگر راه آهن

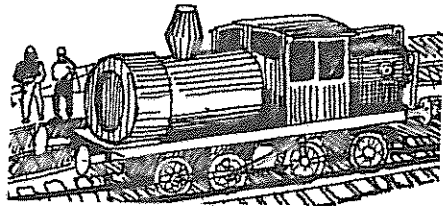
کارگران راه آهن

## کارگران ایرانی در شیخ نشینهای خلیج فارس

دهقانان و جوانان آوارهی مادر این عبور طعمه کوسه‌های خلیج شده‌اند. رژیم منحوس پهلوی هیچوقت از این رانندگان ازایران از بلندگوهای تبلیغاتی خود صحبت نکرد. حتی یکبار جعفریان معدوم،

بیش از چند صد هزار ایرانی در شیخ نشینهای خلیج فارس کار میکنند. معاش اکثریت وسیع این ایرانیان از فروش نیروی کار آنها بدست می‌آید و اکثریت این افراد را مهاجرین روستائیی





مسافری چشم و چراغ راه آهن هستند. گاهی اوقات بخاطر حرکت یک قطار مسافری، یک قطار باری را ۵ یا ۶ ساعت در یک ایستگاه میخوابانند. در حالی که قطار مسافری استفاده چندانی ندارد و این قطارهای باری هستند که راه آهن را میچرخانند. ما مورین و کارکنان قطار، گذشته از همه ناراحتیهای کاری، هر لحظه نیز باید منتظر مرگ باشیم. چون یاد راه نوقطار به هم میخورند و یاد در داخل ایستگاه، کسی که واگنها را جابجا میکند و "مانورچی" نام دارد، بین دو واگن میماند و دیگر چیزی از او بجای نمیماند. سال قبل تنها در یک سانحه کشته دو قطار بهم خوردند، ۵ نفر کشته شدند و دوفکر کمک راننده و یک نفرشان رئیس قطار باری بود، جانشان را از دست دادند، بطوریکه آنها در اثر حریق به ذغال تبدیل شدند. از این نمونه ها، وقتی پای درد دلیک کارگراه آهن بنشینیم، فراوان تعریف میکند.

صدی هشتاد کارگران راه آهن خانه ندارند و میزان حقوقشان نیز کم است. بهمین دلیل مجبورند بیشتر کار کنند و این بیشتر کار کردن، در درجه اول باعث دوری آنها از خانواده میشود. از آن گذشته، کسانی که با حرکت قطار سروکار دارند ساعت کار معینی ندارند و مثلاً ممکن است یک روز ساعت ۵ بعد از ظهر سرکار بروند، روز بعد ساعت ۱۱ بعد از ظهر سرکار بروند، با تمام این سختیها کارگران راه آهن فوق العاده باهوش و وحدت دارند.

سواد و معلومات؛ بطور کلی میتوان گفت بقیه در صفحه دوم

از نامه یک کارگر راه آهن، نیمه های شب در دل بیابانی بی سرو ته، قطاری مغرور و سر بلند، غرش کنان به پیش میازد در جلوی قطار، دیزل قرار دارد. وارد اتاق راننده می شوم، پیرمردی در حدود ۵۸ سال سن، با موهای گاملا سفید و با عینکی به چشم و با چشای ضعیف در حالیکه یک های محکمی به سیگار میزند جلب نظر میکند. از او راجع به کارش میپرسم. میگوید: من راننده پایه یک قطار هستم. از وی میپرسم چند سال است کار میکنی؟ میگوید: "۳۵ سال". میپرسم وضع کارت چطور است؟ جواب میدهد: "مثلاً امروز از تهران به طرف کرمان حرکت کردیم فردا میرسیم کرمان و پس فردا حرکت میکنیم و روز چهارم میرسیم تهران. پس از تحویل دیزل به منزل میرویم و بعد از ۲۴ ساعت استراحت دوباره بر میگردیم سرکار. حالا بستگی دارد که کجا برویم: مشهد یا گرگان یا تبریز یا اصفهان و یا باز هم کرمان".

از او میپرسم: پدرجان چرا خودت را بازنشسته نمیکنی؟ میگوید: "آن زمانی که ما میخواستیم بازنشسته شویم، نمی گذاشتند. حالا هم فکر میکنم اگر بازنشسته شوم، مقصدار زیادی از حقوقم کاسته میشود و پولی که میگیرم نمیتوانم زندگی ام را بچرخانم".

شرایط کار روزندگی کارگران:

کار کارگران راه آهن واقعاً سخت و حساس است. ما مورینی که با قطار سر و کار دارند (مانند راننده، کمک راننده، ترمزبان و...) نه از نظر آب و هوا وضع مناسبی دارند و نه از نظر کاری. چون اکثر این بین ۲۰ تا ۳۶ ساعت در حال خدمت هستند و این خدمت بدون استراحت است و بطور ممتد و ممتد. مثلاً از تهران به قم و بالعکس، یک قطار باری ۱۵ تا ۲۰ ساعت در راه است. چرا؟ چون خط یکیست و قطار زیاد، قطارهای

بلندگوهای تبلیغاتی خود صحبت نکرد، حتی یکبار جعفریان معدوم، عنصر خود فروخته تلویزیون شاه، این دهقانان راننده شده از فقر و فلاکت را کسائی خواند که پول در جیب دارند ولی نان ایران به دهانشان مزه نمیکند و دوست دارند که از مواهب خارج استفاده کنند.

کارگران ایرانی شیخ نشینهای خلیج با تحمل مرارت های زیاد خود را از رنج زیستن در ایران شاهنشاهی خلاص کرده ولی به دام شیخها و استثمارگران تازه به دوران رسیده افتاده اند. کارهایی مانندی بنائی، نجاری و کار در بارانندازها و کلیه کارهای شاق بعهدهای ایرانیان است. در بخشهای شیخ نشینها صد در صد با بربران را کارگران ایرانی تشکیل میدهند بعضی از این کارگران با پرداخت ده تا بیست هزار تومان موقت بقیه در صفحه دوم

تهیه گزارش داده شد. یکی از اعضای شورای منتخب کارکنان گفت که بهتر است مواجبه در بین تمام کارگران باشد که آنها هم در دادن توضیحات کمک کنند.

او گفت "ما به این شرط مواجبه میکنیم که سانسون نشود" پس از گرفتن قول از طرف من ادامه داد: ما هیچ گروه چپ و راستی در تماس نبوده و نیستیم و نخواهیم بود. ما از روز دوشنبه ۳/۱۹ دست به تحمیل زده ایم و تعدادمان ۹۳۲ نفر میباشد و تنها اجرای خواسته های زیر به تحمیل ادامه خواهیم داد:

- ۱- روشن شدن وضعیت مدیریت تا سیسات آکام (فلز و بتون)
- ۲- خارج شدن این تا سیسات از زیر بیوغ استعمارگران شرکت زمین.
- ۳- واگذاری کلیه قراردادها بیکه شرکت زمین از طرف این تا سیسات بقیه در صفحه هفتم

آنها بدست می آید و اکثریت این افراد را مهاجرین روستایی و وطنمان تشکیل میدهند. درست در زمانی که رژیم سرسپرده ی پهلوی دم از تمدن بزرگ و اصلاحات ارضی بنفع دهقانان و بهبود وضع روستاها میزد این دهقان فقیر و بی چیز میهنمان که قربانی این "تمدن" و "اصلاحات" شده بودند بناچار خانه های خود را رها کرده و به شیخ نشینهای خلیج پناه بردند. بیشتر این افراد به دلایل فراوان از جمله نداشتن ورقه معافی و یا نداشتن ویزا، بطور قاچاق و بقول خودشان "زیر دریائی" به آنجا فرار کردند. نحوه ی قاچاقی رفتن آنها خود بشکلی است که همه کس نمیتواند باور کند. ولی کسانی که خود در جریان بوده اند حتماً چپیدن در یک صندوق و یا بشکله زیر موتور لنج و یا خوابیدن زیر بسته های یونجه و سبزی را بخاطر می آورند. تا بحال هزاران نفر از دفتر مرکزی گروه صنعتی به شهر سا ختمان است چهار طبقه و مدرن که دفترهای ۲۲ کارخانه در این ساختمان قرار دارد. در پیاده روی، روبه خیابان این پلاکاردها چشم میخورد:

"گروه صنایع فلزی و بتونی آکام، از دولت قانونی میخواهیم که کارفرمایان متجاوز و وابسته با مهربانی لیسم را شدیداً سرکوب نمایند."

آقای بازرگان، طبق دستور رهبر انقلاب اسلامی، نگذارید سرمایه داران خون کارگران را چون زالو بکنند. بالای درب ورودی با عکس آیت اله خمینی و این پلاکاردها تزئین شده است:

- آقای لاجوردی، تا پرداختن حقوق تحمیل ادامه دارد.

"کارکنان تا سیسات آکام" پس از اینکه از طرف نگهبانان نماینده کارگران معلوم شد که خبر نگار رنجبر هستیم بمن اجازه

طبقه کارگر فراهم مینماید. ولی کارگران نمی توانند نسبت به جریانات سیاسی مملکت و بخصوص مسائل مربوط به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بی تفاوت بمانند. برای پیشبرد انقلاب و تعمیق هرچه بیشتر آن لازم است که کارگران نسبت به مسائل روزمره مملکت عکس العمل نشان داده و همراه با دیگر طبقات و اقشار انقلابی مبارزه کنند.

اینکار نمیتواند تنها در قالب سندیکا و اتحادیه صنفی صورت گیرد زیرا که مبارزات اقتصادی طبقه کارگر بطور خود بخودی به این سطح از مبارزه نخواهد رسید. طبقه کارگر تنها از طریق شرکت فعال در مبارزات سیاسی تحت رهبری حزب طراز نوین،

**پالایشگاه**

**تحصیل کارگران کارگاه فنی**

در روز ۱۸ خرداد ۳۰۰ نفر کارگران پیمانکاری کارگاه فنی پالایشگاه آبادان در اداره کار آبادان تجمع کردند و با شعارها داشتند تا زمانی که رسیدگی نشود محل خواستهایشان رسیدگی نشود محل را ترک نخواهند کرد.

کارگران دو خواسته اساسی دارند: اولاً میخواهند کارگر رسمی شرکت نفت بشوند. ثانیاً در خواست دارند ۱۸۰ تومانی را که کارفرما بابت هر کارگر روزانه از شرکت میگیرد لغو شود زیرا کارفرما از این ۱۸۰ تومان فقط ۶۰ تومان به کارگران میدهد و ۱۲۰ تومان را به جیب خود میزند و کارگران میگفتند اگر ما با دولت طرف بشویم و دولت ۱۰۰ تومان بمانده دراضی هستیم و بقیه ۸۰ تومان را هم دولت بردارد هم پولی به جیب کسی نرفته و هم وضع ما بهتر خواهد شد.

ما از خواسته های این کارگران زحمتکش، پشتیبانی کرده و از اداره کار آبادان و شرکت ملی نفت ایران میخواهیم که گامهای جدی در جهت تامین این خواسته ها و رفاه کارگران پیمانکاری کارگاه های فنی پالایشگاه بردارد.

# رنجبر و خوانندگان

\* یکی از خوانندگان "رنجبر" طی نامه مفصل و پرمغزی درباره‌ی مسئله کمونیستها و جنبش اسلامی مینویسند:

در شماره ۱۱ این نشریه مقاله‌ای تحت عنوان کمونیستها و جمهوری اسلامی چاپ شد که در مورد کمونیست در ایران بود و چرا که کمونیست در ایران بیشتر با مخالفت روبرو میشود و این روزها هرکس را که بخوانند بگویند و در نظر توده‌ی مردم بد جلوه دهند و مارک کمونیست می‌چسبانند.

با یادگفت که اولاشما که طرفدار مکتب مارکسیست هستید هنوز نتوانسته‌اید کمونیست را آنطور که هست به مردم نشان دهید. و این مکتب را با زبان مردم به آنها بفهمانید.

هرچه کتاب درباره کمونیست و مارکسیست چاپ شد و میشود از نویسندگان خارجی بوده است که به فارسی ترجمه شده، و با ترجمه کتاب از زبانی به زبان دیگر هیچوقت به اصل درست در نیامده و منظور واقعی نویسنده را با ترجمه نمیتوان نشان داد.

هنوز یک نویسنده ایرانی که البته در ایران و میان توده‌ی زحمتکش ایرانی بسر برده باشد نتوانسته یک کتاب کمونیستی را با زبان عامیانه مردم ایران بنویسد و مکتب کمونیست را برای آنها آنطور که فهمند به آنها نشان بدهد، و نسبت به روش و هدف کمونیست، آنها را روشن کند. دیگر اینکه عده‌ای که خود را طرفدار مکتب کمونیست و مارکسیست میدانند بحال اینکه مردم را نسبت به این روش و هدف کمونیست آگاه سازند، در مرحله اول به اعتقادات و مذهب و خدا حمله میکنند و این برای توده‌ی ایران قابل قبول نیست زیرا مردمی که سخت‌ترین فشار و نشیب‌های تاریخ را با ایمان بخدا و به پیروی از رهبران مذهبی خود پشت سر گذاشته است نمیتواند قبول کند و هرگز

خود بیشتر آموزش دهید و با آنها حالی کنید اینجاست ایران است سرزمین عاشقان علی، حسین، عباس و رضا است مکان تشیع سرخ و سادات است هر چند که در سالهای گذشته عده‌ای مرتجع و ضد دین با کمک رژیم سابق در لباس روحانیت یا روشنفکران ایران و ایرانی را از هدف اسلام دور کردند ولی عشق بخدا و اسلام در دل خلق زنده بود. دیدیم که چگونه این آتش خاموش شعله کشید و کاخ استبداد را ویران کرد.

کمونیست‌ها در ایران راه سختی در پیش دارند اگر بخواهند بیرو مکتب فلسفی مارکس باشند و مذهب و خدا را انکار کنند هرگز در ایران پیشرفت نخواهند کرد ولی اگر فقط از مکتب دوم یعنی آن مکتبی که مارکس برای دفاع از حلق محرومان و کارگران و رنجبران و برداشتن طبقه زمین ملت‌ها که باید طبق امکانات روز و مکان باشد بخواهند عمل کنند امکان پیروزی بیشتری هست زیرا شما در ایران دو دشمن خطرناک دارید عده‌ای که در لباس کمونیست ولی در اثر نادانی و دور بودن از هدف مارکس با اظهار نظرهای خود باعث فرار توده مردم میشوند و عده‌ای دیگر که پیوستگی کمونیست و اسلام را برای هدف خود مضر تشخیص میدهند. در جایی شما را بر علیه اسلام و در جایی دیگر اسلام را بر علیه شما بشورش و امیدارند.

در مکتب توحیدی اسلام و مکتب مارکسیستی کمونیست نزدیکی‌های بسیار است که اگر بهم نزدیک شوند، سرمایه‌داران و استعمارگران داخلی و خارجی را شکست خواهند داد. شما باید این امر مهم را انجام دهید جوانان و خلق روشنفکر اسلامی و کمونیستی با شما همراهی خواهند کرد. از طرفداران خود بخواهید که با توده مردم بحث ایده‌فولوژی نکنند و باعث بیزاری مردم از کمونیست نگردند. اینجا پاریس، آلمان، روسیه، چین، و کوبا نیست. اینجا ایران است

## تحصن کارگران «زمینه»

بقیه از صفحه اول

احمد لاجوردی و پسرانش، رحمانی کیا، خادم و استیانیان هنگامیکه طی سالیان گذشته مقاطعه‌کاری در ایران رونق داشت، همانند دیگر شرکت‌های ساختمان‌سازی سودهای کلانی به جیب میزدند و چندین برابر سرمایه غیر نقدی خویش سود دریافت میکردند. اکنون پس از قیام، بعد از خارج کردن ارز از کشور و با وجود داشتن سپرده‌های کشوری در داخل به بهانه نداشتن پول دستمزد و حقوق کارگران و کارکنان را پرداخت نمی‌کنند. ضمن اینکه تکلیف وضعیت حاضر شرکت و کارگاه‌ها را نیز روشن نمی‌کنند.

ما کارکنان دفتر مرکزی شرکت "زمینه"، خواستهای بحق کارگران و کارکنان کارگاه‌های زمینه را تایید می‌کنیم و با توجه باینکه تمام کارگران کارگاه‌های قبلی میدانند که هدف سرمایه داران ضعیف کردن دولت است و ما را به تحصیل واداشته اند.

کارکنان و کارگران شرکت "زمینه" تحصن خود را بدلیل نگرفتن بیش از هفت ماه مزایا و خارج از مرکز و چهارمگاه حقوق و عیدی اعلام میدارند. و بطور کلی هدف کارکنان و کارگران حرکت دادن چرخ اقتصاد مملکت است و بدستور دولت مرتب در سر کارشان بوده و هستند و دلایل تحصن ما که از صبح دیروز (تاریخ ۵۸/۳/۲۱) آغاز شد، بقرار زیرند:

۱- در حدود چهار روز است که بما شفاها اطلاع داده شد، که میخواهند کارگاه‌ها را ببندند.

## کردستان: ...

بقیه از صفحه اول

نیست، هنوز مشکلات فراوانی در پیش است. برای پیمودن تا به آخر این راه، چه چیزی اساسی و تعیین کننده است؟ چه چیزی ضامن پیروزی است؟

۲- طی یک قرارداد کسه معاون وزارت کار آقای صدوقی هم حضور داشتند، قرار بر این شد که روز ۵۸/۳/۲۰ حقوق و مزایای عقب افتاده را پرداخت کنند و روز بیستم که بانک بدستور دولت تعطیل بود، و ما بیست و یکم به بانک مراجعه کردیم و در دفتر مرکزی هیچ مسئولی حضور نداشت که بقبول خود وفا کنند و بوعده‌ای که در مورد پرداخت حقوق داده اند عمل کنند. بهمین دلیل در همین جا متحصن شدیم و بوضع مارسیدگی نشد و متأسفانه هنوز کسی بدفتر مرکزی "زمینه" مراجعه نکرده و ما به سرگردان نگه داشته‌اند. خواستهای ما در سه مورد زیر خلاصه میشوند:

۱- میدانیم که باید برای پشتیبانی از دولت کار کرد، پس ادامه کار را خواستاریم  
۲- شروع کار با مسئولین معرفی شده از طرف دولت  
۳- پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده و تضمین حقوق های بعدی.

یکی از کارگران کسه از خرم آباد آمده بود در مورد وضعیتان چنین گفت: "ما در حدود ۱۳۰ نفر هستیم که امروز صبح (۵۸/۳/۲۲) از خرم آباد به تهران آمده‌ایم که البته کارتاسیسات شیرآستوریزه در خرم آباد ادامه دارد و ما برای کسب تکلیف به اینجا آمده‌ایم. در حدود پنج برج است که حقوق نگرفته‌ایم ولی مداونا "بکارمان ادامه میدهدیم، یکروز خواهرم مریض شد پهلوی مهندی رفتیم و از ۵۰۰ تومن پول خواستیم ولی او نداد که مجبور شدم برای مداوای خواهرم کلی از وسایل خانه را بفروشم و ما واقعا الان احتیاج به حقوق پرداخت شده‌مان داریم و هیچ چیز بیشتر از حق خودمان نمی‌خواهیم. در

مبارزه میکند، جنبشی که اصیل است اما بعلل تاریخی و بعنوان رهبری پرولتاریا، دارای کمبود است، که مهمترین آنها، گروه‌گرایی، عدم بسیج زحمتکش، عدم مرزبندی دقیق با تمام امپریالیست‌ها میباشد.

۲- وجود یک دولت ملی در مرکز، که بخوبی، ده‌گانه داد، بانک

زمان انقلاب بدستور امام یکماه اعتصاب کردیم و دست از گنبار کشیدیم و بعد از دستور امام مبنی بر شروع کار، بکارمان ادامه دادیم، و در حال حاضر حدود یکسال و نیم دیگه از کار آن تاسیسات باقی مانده است.

یکی از کارکنان دفتری مرکزی "زمینه" می‌گفت: "صاحبان شرکت چهارتا لاجوردی هستند، احمد لاجوردی و دوپسرانش علی و حمید و قاسم لاجوردی کسه سنا تور بود و فراماسونری هم بود، همچنین آقای خسرو رحمانی کیا (توده‌ای سابق) که مدیر عامل شرکت "زمینه" است که ۵۳۰ میلیون تومان ارز خارج کرد و همینطور آقای جواد خادم احمدآبادی (وزیر آبادانی و مسکن کابینه بختیار) و سحر روز استیانیان و منصور بدیعی که دو نفر آخرشکای جز میباشند. لاجوردی‌ها صاحب کارخانه "شاهپسند"، "برف"، "پاکسان"، تاسیسات آکام" و خیلی کارخانه‌های دیگر در سطح کشور می‌باشند.

در مورد خط مشی ایدئولوژی رنجبر سؤال کردند و پاسخ از توضیحاتی که شنیدند یکساز کارکنان شرکت "زمینه" گفت: "این تحصن که در اینجا برقرار شده است، بخاطر تضعیف روحیه دولت نیست، بلکه جهت تداوم انقلاب و تحرک بیش از حد اقتصادی مملکت می‌باشد و از ارگانهای متفکرات و نشریه‌های چپی خواهش می‌کنیم که این تحصن ما را مورد سوء استفاده قرار ندهد و ما اگر بدانیم که این تحصن کوچکترین تضعیفی را برای دولت انقلابی بدنجال خواهد داشت از کلیه حقوق و مزایا صرف نظر کرده و بکسه تحصن خاتمه خواهیم داد و روی صحبت ما صرفا با کارفرمایان مزدور و عوامل استعمار است."

جانبه کردستان، و در مرکز آن حل مسئله ارضی ضد فئودالی به نفع دهقانان فقیر و میانه حال پائین.

۳- تضاد میان دولت ملی مرکزی و خلق کرد، تضادی در درون خلق است و از اینرو راه حل آن مسالمت آمیز می‌باشد و هر دو طرف باید جدا از یکا بریدن قهر

مذهبی خودیست سرگذاشته است نمیتواند قبول کند و هرگز هم قبول نخواهد کرد که مذهب و خدا وجود ندارد.

از نیمه دوم قرن اول هجری که فاجعه کربلا بوقوع پیوست تا حال که نزدیک به چهارده قرن است مردم یکدم، این فاجعه را فراموش نکرده و هر ساله در بدترین شرایط چه در زمان بنی امیه، عباسیان، مغولان و دیگر سلسله های استبدادی مراسم سوگواری و بزرگداشت شهیدان کربلا را بجا آورده اند و شما خود در همین سال گذشته دیدید با وجود سخت ترین شرایط مجالس سوگواری با شور بیشتری برگزار شد. حال چند جوان با اصطلاح کمونیست با خواندن چند کتاب ما دیگرانی و ماتریالیسم و کتاب پیدایش بشر و انسان از نسل میمون میخواهند اعتقاد ۱۴ قرن آنها را یکروزه درهم بریزند. در وجه اول باید شما را برای آشتی توده های ایران با کمونیست پیداکنید که نشریه و سازمان شما اولین قدم را برداشته و آن تائید جمهوری اسلامی و رهبران آنست. به جوانان و طرفداران

کمونیست نگردند. اینجا یا ریس، آلمان، روسیه، چین، و کوبا نیست. اینجا ایران است کشور که مردمش هر وقت اراده کرده اند بزرگترین قدرتها را از بین برده و مشکلات را از پیش پا برداشته اند.

کمونیست و اسلامی دست در دست هم دهید و بر علیه استعمارگران جهان خوار روسیه و آمریکا بجنگید و نگذارید جیره خواران استعمار شما را از هم دور کنند و هر زمان در جایی بلوا و آشوب بیاکنند. هدف اسلام و کمونیست هر دو دفاع از حق محرومان و رنجبران هست باید با یکدیگر متحد شوند و دست در دست یگدیگر خلق ایران را به آسایش برسانند. آرامش معنوی و آسایش مادی هر دو با هم درود بر حاکمان زحمتکش درود بر کسانی که به عقاید دیگران احترام میگذارند - مرگ بر منافقین و آشوبگران - سرنگون باد طرفداران شوروی و آمریکا - پیروزی با دلتی رنجبران ایران - پاینده باد ایگراتی مستقل و متکی به فرهنگ خود.

۱۳۵۸/۳/۱۳  
مجید بردنوس آبادان

به آخر این راه، چه چیزی اساسی و تعیین کننده است؟ چه چیزی ضامن پیروزی است؟

بنظر ما یک خط مشی صحیح سیاسی، اساسی ترین ضامن پیروزی است. داشتن نیرو و اسلحه، در تحلیل نهایی، تعیین کننده نیست. اگر خط مشی ایدئولوژیک - سیاسی صحیح نباشد، اگر نیرو هم موجود باشد به سرعت و سادگی از دست میرود. تجربه ای اخیر جنبش کردستان عراق برهبری با رزانی بهترین نمونه است جنبشی که بیش از ۱۵۰ هزار پیشمرگه مسلح داشت اما چون خط مشی غالب بر آن نادرست، وابسته به آمریکا و دخالتی بود، در آخر صد هزار پیشمرگه کاره جانی نبردند و جنبش شکست خورد. و برعکس با خط مشی صحیح ایدئولوژیک - سیاسی است که میتوان از یک نیروی کوچک به بزرگ تبدیل شد و پیروز شد و پیروز برای خلق شد.

با توجه به این اصل تعیین کننده بودن خط مشی سیاسی، اوضاع کنونی در کردستان ایران چیست؟ ویژگی بزرگ اوضاع، تداخل و هم افتادن ۳ جریان با یکدیگر است: ۱- وجود حرکت یک جنبش اصیل ملی که برای تعیین سرنوشت در چارچوب وحدت خلقهای ایران

میباشد. ۲- وجود یک دولت ملی در مرکز، که برخوردی دوگانه دارد: از یک سومی و ضد امپریالیست است و جزئی از نیروهای خلق میباشد، از سوی دیگر حاضر به شناسایی ستمدیدگی ملیتهای تحت ستم و برآوردن خواست بحق آنان در تعیین سرنوشت خویش در چارچوب وحدت خلقهای ایران، نیست. ۳- وجود توطئه های وسیع و گوناگون امپریالیستها بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه، که عمدتاً از طریق عوامل وابسته بومی خود عمل میکنند.

این سه جریان، بعلمت غالب نبودن خط مشی صحیح نیروهای سیاسی درگیر مسئله، در بسیاری از موارد با یکدیگر تداخل پیدا کرده و وضع بغرنجی را بوجود آورده اند، وضعی که تضادهای درون خلق با تضادهای میان خلق و دشمن در بسیاری از موارد تداخل پیدا کرده، حاجا شده و موجب میگردد که دو بخش از خلق تحت تاثیر خط مشی انحرافی و با توطئه های دوا بر قدرت، در برابر هم قرار گیرند و در این میان دشمنان سودبرده و خود را در پس نیروهای خلقی پنهان کنند. بنظر ما وظیفه تمام انقلابیون و میهن پرستان ایرانی است که بطور جدی به این وضع ناگوار خاتمه بدهند. ما معتقدیم این امر تنها با در نظر گرفتن چند اصل اساسی از طرف کلیه نیروهای سیاسی کشور برای تعیین درست است: ۱- مرزبندی و مبارزه با امپریالیسم، بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه. ۲- شناخت واقعیت ستمدیدگی خلق کرد و حق تعیین سرنوشت به وسیله خود و. ۳- شناخت لزوم همبستگی متقابل و اتحاد دولت مرکزی و جنبش خلق کرد، و اینکه آزادی ملی تنها در چارچوب وحدت بزرگ و متساوی - الحقوق خلقهای ایران امکان پذیر است. ۴- مبارزه برای تامین رفاه زحمتگشان خلق کرد و پیشرفت همه

مسالمت آمیز میباشد و هر دو طرف باید جدا از یکا بر بدن قهر در حل این تضاد دوری جویند. ما معتقدیم تمام نیروهای میهن پرست ایران، تمام نیروهای میهن پرست کردستان میتوانند بر اساس این اصول با یکدیگر متحد شوند.

از نظر ما تمام نیروهای سیاسی (از دولت مرکزی گرفته تا نیروهای کسود)، با پیوند رابطه با این اصول اساسی خط مشی ها و سبک های کار خود را تغییر داده و نوسازی کنند، چه تمام نیروها در یک یا چند مورد اساسی دارای التقاط و کمبودند. در شرایط کنونی، ما معتقد نیستیم که اول باید همه اختلافات سیاسی حل شوند و سپس گامهای عملی در راه تحقق حق تعیین سرنوشت برداشته شوند. بلکه ما معتقدیم باید بر روی دوپا راه رفت.

بر اساس آنچه که اصولی است و مشترک است متحد شد، برنامه ریخت و جلو گام برداشت.

آنچه را که مورد اختلاف است با بحث و مبارزه سالم سیاسی در طی جریان عمل و مبارزه حل کرد.

و در آخر، ما معتقدیم که دولت مرکزی نقش مهمی را میتواند در سهل کردن حل مسئله ملی کردستان ایران بازی کند. دولت مرکزی باید به اکثریت بزرگ، به همه نیروهای سیاسی میهن پرست تکیه کند و سیاست تکیه به یک بخش برای منفرد کردن بخش دیگر را در پیش نگیرد، چه بدین صورت مسئله حل نخواهد شد و تنها نتیجه چنین سیاستی جدائی بخشی از نیروهای خلق از انقلاب اسلامی و تضعیف آن خواهد بود.

اکثریت عظیم توده های مبارز و میهن پرست کردستان ایران خواهان استقلال ایران، وحدت همه نیروهای ملی، وحدت خلقهای ایران، آزادی و رفاه و عدالت اجتماعی اند. باید به اکثریت اندیشید، وحدت بزرگ بوجود آورد و با گروهی گری و منافع تنگ نظران و محدود مبارزه نمود.

### سالگرد شهادت...

بقیه از صفحه پنجم

مردم را به قهر انقلابی دعوت میکرد دست میزد، برخلاف لوتر (اصلاحگر بزرگ مذهب کاتولیک)، کشیشی که در آغا زافکا رمترقی داشت ولی با قطبی شدن جامعه به سازش طبقاتی با فئودالها رو آورد و مردم را نیز به سازش با ضد خلق دعوت میکرد.

"مونتسر" انجیل را بصورت وحی منزل و بصورت احکامی لاتغییر کرد میگرد. وحی زنده و واقعی به نظر او عقل و اندیشیدن بود. آن وحی ای که برای همه زمانها و برای تمام خلقها وجود داشته و میداشت.

"مونتسر" اینچنین موعظه میکرد:

"اربابان خود همان کار را میکنند که انجام آنرا برای یک فرد فقیر محال نمیدانند، آنان علت عصیان را نمی خواهند از میان بردارند. بدین ترتیب چگونه میتوانند پایان خوشی را انتظار داشته باشند؟ آه، اربابان عزیز، چه زیبا خواهد بود شما را با میله های آهنین بزیردیگها در احساق بپاندازند."

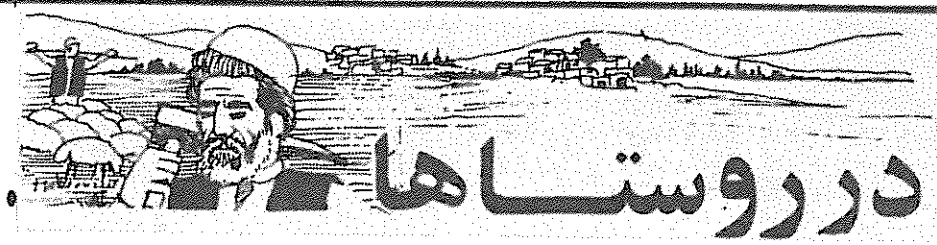
توضیح مسائل سیاسی و مذهبی به زبان عامه فهم و سازماندهی مخفی توده های تحت ستم توسط مونتسر، ضربات سختی بر فئودالها، اشراف و روحانیون مرتجع که حکومت را در دست داشتند وارد آورد، توده های وسیع دهقانان و تهیدستان که بیان خواستهایشان را از زبان وی می شنیدند، بطور وسیع بدورش ردمی آمدند و افکار انقلابی او

بسرعت در سراسر آلمان در میان دهقانان و تهیدستان اشاعه می یافت.

فعالیت های انقلابی مونتسر در سراسر روستاهای آلمان تاثیر گذاشت و وی کما بیش بعنوان رهبر جنبش شناخته شد. دشمن که از این پیروزی سراسیمه شده بود به سازماندهی مجدد ارتش خود پرداخت و با توطئه ای ارتش دهقانی به رهبری مونتسر را شکست داد و از ۸ هزار نفر را قلع و قمع کرد. مونتسر نیز که زخمی شده بود اسیر گشت و در حالیکه بیست و هشت سال بیشتر نداشت در حضور شاهزادگان بجزوخ شکنجه بسته شد و سپس او را سر بریدند. او با همان شهادتی که زندگی کرده بود، بمیدان اعدام رفت.

مبارزه برای تامین رفاه زحمتگشان خلق کرد و پیشرفت همه





# در روستاها

## در باره شوراهای دهقانی

یک جریان بزرگ متشکل شدن در میان دهقانان پدیدار گشته و در حال رشد است. در همه جا دهقانان، پس از سرنگونی رژیم منفور شاه، برای بدست آوردن حقوق بحقشان بحرکت درآمده و چاره جوئی میکنند. انقلاب گسترده تر میشود و روستاها نفوذ میکند، عمیق تر میشود و ریشه های اقتصادی و طبقاتی سلطه ی رژیم سابق را مورد ضربه قرار میدهد. و این چیز بسیار خوب است!

انقلاب ما عمدتاً یک انقلاب سیاسی بود، یعنی رژیم طبقات حاکم را سرنگون ساخت. رژیم که نماینده امپریالیسم، بقایای نظام ارباب - رعیتی و سرمایه - داری دولتی ضد مردمی بود. اما انقلاب هنوز ریشه های حاکمیت این طبقات، یعنی غارت و وابستگی به امپریالیسم، نظام ارباب رعیتی و سرمایه داری دولتی وابسته به بیگانگی و استثمارگر را از بیخ و بن برکنده است و این وظیفه های است که دستور کار ادامه و عمیق کردن انقلاب قرار دارد. کندن این ریشه ها مسئله بسیار مهمی است، چه اگر سوزاننده نشوند، دوباره رشد و نمو کرده و نمایندگان سیاسی شان را در تمام سطوح دستگاه قدرت سیاسی و اداری بوجود خواهند آورد.

ریشه های طبقاتی حاکمیت رژیم سابق در روستا، مالکین ارضی فئودال، سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، شرکت های زراعتی دولتی و بخش های دهقانان مرفه وابسته باین ها بودند.

اینها هنوز هم در روستا

سرمایه داران روستایی هیچ کدام نمی توانستند (با بخشی از آنها نمی خواهند) که چنین تغییری را بفتح ملت و دهقانان بوجود آورند. برای انجام این تغییر، برای زدن و رو رفتن پایه های طبقاتی رژیم قبلی و زوالهای استثمارگر فئودال و سرمایه دار وابسته، دهقانان باید متشکل باشند، و گرنه بطور فردی و پراکنده، آب هیچ جانمیرسد و در مقابل نفوذ و قدرت متشکل دشمنان، توان رویارویی ندارد.

این شوراها چه باید بکنند؟ این شوراها دو وظیفه اساسی دارند:

- اول - دفاع از حقوق دهقانان، بویژه دهقانان فقیر و میان حال، در مقابل ظلم و استثمار فئودالها، مالکین ارضی غاصب و سایر دشمنان.
- دوم - کمک متقابل میان دهقانان و گرفتن کمک از دولت و غیره برای رشد تولیدات دهقانان فقیر و میان حال و تقویت اقتصاد مستقل دهقانی.

ستون فقرات این شوراها ی دهقانی باید از دهقانان فقیر و میان حال پائینی تشکیل شود، چه آنها اکثریت دهقانان هستند و بعلت وضع طبقاتی از همسته پیشرو تر اند و بیشترا ز هر قشر دهقانی خواهان تغییرات عمیق تر و ریشه دارتری هستند.

شوراها باید با کادگان رگران کشاورزی روستا متحد شوند، استخوان بندی اتحاد کادگان دهقانان را بوجود آورند.

شوراها ی دهقانی سازمان های جبهه واحدی هستند، یعنی اقشار مختلف دهقانی در آن شرکت دارند، مسا است، در حال، که استخوان

## سالگرد شهادت يك انقلابی بزرگ



چهارم تیر ماه (۲۵ ژوئن) سالگرد شهادت انقلابی بزرگ جنبش دهقانی آلمان، "توماس مونتر" است که انگلس آموزگار بزرگ پرولتاریا، از او بعنوان نماینده طبقه ای که کادرا و رهبران طبقات رسمی جامعه آلمان قرار داشت، یعنی نخستین عناصر پرولتاریا که بسمت کمونیسم رانده شده بودند، یاد میکنند.

توماس مونتر در اوایل قرن بیستم در "اشتولبرگ" در منطقه "ها رتس" (آلمان) بدنیا آمد و پدرش قربانی تملیلات شاهزادگان آن منطقه گردیده و به جوبه دار آویخته شد. او با استعداد شگرفی که در آموختن از خود نشان داد بزودی بدریافت دکترای الهیات (مسیحی) نایل آمد.

آلمان در این زمان جامعه ای فئودالی بود. با تمام قشرهای جامعه، شاهزادگان، با موران عالی رتبه دولتی، اشراف، کشیشان فئودال، بردوش دهقانان سنگینی میکرد. دهقانان به هر یک از این گروهها، اعم از شاهزادگان، اشراف و وابسته به امپراطوری، اسقفها، صومعه ها یا شهرها وابسته بودند. از همه جا به یک شکل و بمانند یک حیوان با رکش و بلکه بدتر مورد بهره کشی قرار میگرفتند و اگر دهقان رعیت بود، همه چیزش به خشم یا شفقت ارباب بستگی داشت.

قسمت اعظم وقتش را می بايست در املاک ارباب کار کند، موظف بود آنچه را در ساعات اندک فراغتش بدست می آورد بصورت عشریه، بهره، ما زاد، خرچ سفر (مالیات جنگ)، مالیات زمین و مالیات امپراطوری بپردازد. او بدون پرداخت پول به ارباب نه میتوانست ازدواج کند و نه بمیرد. او و میبایست علاوه بر خدمات روزانه مرتب برای اربابش، علاوه بر توت فرنگی، تمشک و غیره جمع آوری کند، برای ارباب شکار کوچ دهد، هیزم بشکند و غیره. از هم در اندن، بریدن انگشت دست، سر زدن، داغ کردن، آتش زدن، شقه کردن و غیره در مورد دهقانان اعمال میشد. چه کسی میتوانست از دهقانان دفاع کند؟ در دادگاهها شاهزادگان، کشیشان، امناسا و حقوقدانان نشسته بودند که بخوبی میدانستند بیخاطره به آنها پول داده میشود. تمام مقامات رسمی کشور از کمیدن خون دهقانان تغذیه میکردند.

دهقانان در زیر چنین فشار و استثمار بی سر میبردند، اما براکنندگی آنها هرگونه اقدام متشکل بصورت قیام را دشوار میساخت. عادت دیرینه اطاعت نسل اندر نسل ریشه دوانیده بود.

بوجود آمدن قشروسیاسی تهیدستان که فاقد ثروت و هرگونه حقوقی بودند نشان دهنده شروع جریان انحلال جامعه فئودالی و ایجاد جامعه صنعتی بورژوازی بود. این قشر که نخستین پیشگامان پرولتاریای جدید محسوب میشوند از دهقانان انقلابی تربوده و نقش مهمی در برانگیختن جنبش های دهقانی داشتند.

مونتر که از همان آغاز انجمن های مخفی بر علیه اشرافیت، کلیسا و روحانیت مرتجع تر تیب میداد، کم کم به حمله به مناسبات اجتماعی و سیاسی کشیده شد و به بسیج توده های دهقانان و تهیدستان، بر علیه فئودالها، اشرافیت و روحانیون مرتجع که اکثریت را تشکیل میدادند پرداخت. موعظه های هر روز شدیدتر میشد، به انتقادات انقلابی که

## منطق امپریالیستی...

بقیه از صفحه اول را می فهمند، آنها میدانند که برادران ستم دیده ایرانی چه میگویند. از همه وقیحانه تر تعیین تکلیف کردن سفیر روسیه است که وظیفه ارشاد مردم ما را بعهده گرفته است. در جواب به این اراجیف سفیر شوروی، ما میگوییم: "نه شرق نه غرب" معنایش اینست که هیچ کدام در ایران دخالت نکنند و این کاملاً بحق است شما باید ثابت کنید که اسلحه های ساخت شوروی از شوروی به ایران وارد نمیشود روابط ما با یسویح و سالم و بدون دخالت کسی در کشور ما و با دخالت مادر کشور دیگر باشد."

آقای سفیر کبیر فهمیم (!؟) که با یک جواب قاطع و شناخت صحیح و دفاع از توده مردم روسیه است و از دادن پاسخ قانع کننده عاجز است، عوض اینکه زبان در کام بکشد، مدارج وقاحت را یکی پس از دیگری پیموده و با اظهار نظر در مورد افغانستان، ماهیت کنیفا امپریالیستی دولت خود را نشان میدهد. وی از امام سوال میکند "تیا هیچ جنبش ضد انقلابی بر علیه حکومت افغانستان وجود ندارد؟".

امام خمینی صریح جواب میگوید که "جنبش اسلامی در افغانستان وجود دارد" آقای سفیر که قافیه را پاک باخته، ناچار میشود که بگوید "بطور کلی من تخصصی در امور افغانستان ندارم" یعنی سفیر روس در مورد کشاکش خلقهای افغان بدست عوامل امپریالیست روس و مستشاران آن چیزی نمیداند!

این تجاهر روسها تا زگی ندارد و آنها هر جا که دم بخورند عیان میشود خود را به فهمیدن میزنند.

سفیری که در آغاز مردم قهرمان ما را به فهمیدن بی اطلاعی متهم کرده بود، خود ناچار میشود به بی اطلاعی خود در موریاسی منطقه اعتراف کند تا شاید فراری پیدا نماید.

این ملاقات آموزش خوبی برای تمام مردم ما بود و آنها دیدند که منطق امپریالیستها چیست؟ دروغ گویان آشکارا،

دهقانان مرفه وابسته به این ها بودند. اینها هنوز هم در روستا از موقعیت برتری برخوردار هستند و هنوز هم توده های وسیع دهقانی از استثمار و بهره کشی آنان رنج میبرند.

این وضع باید تغییر کند، این طبقات ارتجاعی در روستا، این نظام های ارباب-رعیتی و سرمایه داری بزرگ امپریالیستی وابسته باید از بین بروند، تا دهقانان از زیر استثمار و ستم آنها رهایی یابند، سبک شوند، نیروی کارشان شکوفا شود، تولیدات کشاورزی رشد کنند و میهن ما را از نظر غذایی خود کفا کنند تا مثل امروز برای احتیاجات اولیه غذایی مان وابسته به امپریالیستهای ما و لی مبینیم که این مبارزه، چیزی تنها مربوط به دهقانان روستا نیست، بلکه پای استقلال ملی ما، پای رفاه همه مردم کشور در میان است.

چه کسانی بار عمده ای انجام این تغییرات در روستا را بردوش دارند؟ عمدتاً دهقانان، چه آنها تولید کنندگان اصلی مورد استثمار و ستم در روستاها هستند. اگر کسی بتواند اوضاع روستاهای میهن ما را به نفع تمام مردم کشور ما، به نفع دهقانان تغییر بدهد، این نیرو کس دیگری جز خود دهقانان نیست. نه دولت نه مالکین، نه

جبهه و آحادی هستند، یعنی اقشار مختلف دهقانی در آن شرکت دارند، مهم است در عین حال که استخوان بندی شان از دهقانان فقیروا تشکیل شده و بوسیله آنان رهبری میشوند، با دهقانان میانه حال مرفه و بخشی از دهقانان مرفه متحد شوند و این اتحاد برای منفرد کردن دشمنان در روستا و موفقیت شوراها دارای اهمیت بسیاری است.

شوراها باید به دهقانان فایده برسانند، حال این فایده هر قدر در ابتدا کوچک و جزئی باشد. توده های وسیع دهقانی، دهقانان روستاهای دیگر که ایجاد شورا در روستای رادقیقا تحت نظر دارند باید ببینند که شورا تغییرات قابل لمسی در زندگی دهقانان عضو آن و بهتر شدن وضع آنها یا وضع عمومی روستا بوجود میآورد، و این مسئله کسب پیروزی، حال هر قدر کوچک، برای شوراها در ابتدای کارشان دارای اهمیت بسیاری است.

و در آخر، روشنفکران روستایی، مانند جوانان سواد دار، معلمان روستایی و... نقش بسیار مهمی را در تشکیل شورا های دهقانی دارند. آنها باید با یک کار تدارکی منظم، دقیق، پر حوصله و پر شور بخش مهمی از دهقانان فقیر و میانه حال پائینی را قانع و متحد کنند و در امر تشکیل شورا پیشرو و پیشگام باشند. ما با زهم در این مورد بحث خواهیم کرد.

## گزارشی از روستاهای کوچک نظر خانی (گرگان)

سابق ارتش در این ده زمینهای زیادی دارند. آنان در حدود ۱۶ الی ۱۸ سال پیش زمینهای این ده را بوسیله دستیارها مشاورین و مباشران خود و با پول کمی که بمردم پرداخت می کردند بدست آوردند. یکی از ملاکین بزرگ این ده، نکه تنها در این ده، بلکه در دهات نزدیک آن در "واسال" و "ریاط غربی" و... زمین دارد که با کمک هژبر بزدانی بدست آورده است. مالکین

را و ایل خرد ماه، در روستای "کوچک نظر خانی" که در نزدیکی گرگان قرار گرفته است واقعه ای رخ داد که منجر به کشته شدن چند نوجوان گردید.

برای اینکه بی به علل این واقعه ببریم، ابتدا لازم است نگاهی به وضع عمومی و طبقاتی این ده بیاندازیم:

این ده در حدود ۵۰ خانوار دارد، فقیر نشین است اما زمینداران، فئودالها و مسرا

بهره کشی قرار می گرفتند و اگر سر دهقان رعیت بود، همه چیزش به خشم یا شفقت ارباب بستگی داشت.

اکثریت را تشکیل میدادند و اکثریت موعظه ها یش هر روز شدید تر میشد، به انشاز جزوات انقلابی که بقیه در صفحه چهارم

## عمال ساواک را در فارس افشا کنیم

### نجفی خود سیر

طبق گزارشاتی که به ما رسیده داریوش نجفی پسر عبدالحسن نجفی از طایفه شیانی که ره قشقای را در منوچهر نجفی ساواکی معروف که در شماره های قبل رنجبر در باره او نوشته ایم، تعدادی سلاح از پاسگاه قیریه غنیمت برده و با تکیه به این سلاحها در بین مردم بنای خود سیری را گذاشته و به آزار و اذیت توده های ایلی می پردازد.

این شخص که با رژیم طاغوت همکاری نزدیک داشته است اکنون از حمایت بعضی از خاندانها برخوردار میباشد. گفته میشود و بیش از یک میلیون تومان از مردم اخذ کرده و در بلاق چالقا (سرحد چهار دانگه سمیرم) منطقه وسیعی از زمینهای مردم را بزور گرفته و اطراف آنرا سیم خاردار کشیده و برای جبرای دامهای فراوان خود از آن استفاده میکنند. مردم خواستارند که به خود سیری این عامل سرسپرده رژیم منفور پهلوی پایان داده شود و کمیته اقدام لازم را برای دستگیری او برادرش منوچهر نجفی و فامیلش شاحینی گرمی رئیس ساواک فیروز آباد بنمایند و آنها را بسزای اعمال ناشایست خود برسانند.

این ده علاوه بر زمین، صاحب کارخانه جات نقویان هم میباشد. زمینهایی که اینها غصب کرده اند عمدتاً بزور و به پشتیبانی مزرین ها و شاهپورها بوده است و مردم در آن زمان نمیتوانستند چیزی بگویند و بخاطر اینکه آنها را هم کمی ساکت کرده باشند روی زمینها به آنها کار می دادند.

### ساواکیهای قشقای

اعلامیه ای بدست ما رسیده که در آن گروهی از جوانان قشقای عناصرنا با بدرون ایل را افشاء کرده اند. متن اعلامیه بقرار زیر است:

بسمه تعالی انقلاب اسلامی ایران برهبری امام خمینی یکی از آزاده های دیرینه مردم طبقه فعال و زحمتکش بوده است و این انقلاب دنیای شرق و غرب را به، تعجب واداشته است و این چیزی نبود جز ایمان و وحدت.

و اکنون بر شما برادران کارگر و کشا و رزوکا رمندی پیرو جوان بنا همگامی تمامی است که این انقلاب را یاری و افرادنا صالح را بشناسیم و از میان خود طرد نمائیم تا بیاری خداوند خدشه ای بر انقلاب ما وارد نشود. همه ما وظیفه داریم هوشیار باشیم فریب ظاهر هیچ کس را نخوریم. کسانی بودند که بر طبقه زحمتکش و فقیر ظلم میکردند و حق آنان را باطل میکردند در رژیم قبل چه کارهایی که نمیکردند از این قبیل افراد زیاد است و در میان قشقای نیز

هم اکنون دهقانان این ده، زمینها را مال خودشان میدانند چون این زمینها را آنها آباد کرده اند ولی حالا حق آن نیستند اکثر کسانی که روی زمین کار میکنند زبالی و بلوچ هستند و همه اینها در بدترین شرایط زندگی میکنند و همیشه در مضیقه اند. بلوچ هایی که به این ده مهاجرت بقیه در صفحه سوم

برای تمام مردم ما بود و آنها دیدند که منطق امپریالیستها چیست؟ دروغ گوئی آشکار، توهین به انقلاب خلقهای تحت ستم، تحقیر توده ها و ارتجاعی خواندن جنبش های آزادی بخش آری، سفیر روسیه معلوم خوبی از نمونه منفی است و بما کمک میکند که دشمن را بهتر بشناسیم.

زیاد است که تعدادی از آنها شناخته شده هستند و تعدادی نیز رنگ عوض کرده اند تا خود را نکه بیگناه بلکه مجاهد هم جلوه میدهند و با مقامات وقت نیز بحث و گفتگو دارند.

سمنفر زیر آن افراد با اصطلاح بوقلمون صفت هستند که با محیط رنگ عوض مینمایند.

۱- سهراب کشکولی که تا دیروز در ساواک انجام وظیفه مینمود و کوچکترین حرکت را گزارش مینمود و بوسیله چنین افرادی جوانان قشقای بدام ساواک می افتادند. ۲- قربان حسامی فردیست که تا دیروز در حزب رستاخیز فعالیت مینمود و میخواست ثابت کند که میتواند نوکر خوبی باشد (آنها با یارتی).

۳- آقای سهراب کشکولی فامیل سببی میشود تا دوتیر را با یک نشان زده باشد، یکی اینکه با خان فامیل میشود دیگر اینکه از طریق ساواک قدرت پیدا میکند. ۴- زکی حسامی که خود را ذاتا خان میدان و برای همین هم بود که با خان فامیل شد. اکنون که انقلاب پیروز است در پناه مذهب به فریب دادن مردم تهدیدست مشغول است، از جمله آب آشامیدنی اهالی ۶۰۰ نفر قریه کودیان که بوسیله اردوی دانشجویان با مخارج سنگین لوله کشی شد که حق خدادادی آنان بود، از آنان بوسیله دادگستری سابق گرفت تا بدینوسیله اهالی را از نظر قدرت عقب رانده تا در آینده مظلومتر باشند و اسلام.

## نهضت شیعیان عراق

بقیه از صفحه هشتم

اگر تاریخ صد و چند ساله اخیر عراق را ورق بزنیم میبینیم که خلقهای سنی و شیعی عراق در کنار هم مبارزه‌ای طولانی و گسترده‌ای را با امپریالیسم و استبداد داشته‌اند.

تاریخ بهترین گواه بر این مدعاست که برادران سنی و شیعه دوش به دوش هم با اتحادی بزرگ علیه زور و ستم ستیز کرده‌اند. چنانکه در شروع جنبش تنباکو مجتهد بزرگ میرزا محمدحسن شیرازی با دادن فتوای تحریم توتون و تنباکو آغازگر انقلاب مشروطیت شد. وسعت و گسترش واقعۀ رژی در ایران امپریالیسم انگلیس را بو حشت انداخت و با تبارنی عثمانی هادر صد دبر آ مدکه این مجتهد مبارز را زاسا مره تبعید کند اما با توجه به محبوبیت میرزا و اینکه امکان شورش و بلوا میرفت خواستند محیط را بنحوی آماده سازند که میرزا بو حشت افتاده و فرار را برقرار ترجیح دهد. توطئه‌ای که انگلیسی‌ها طرح آنرا ریختند طرح دع‌عوای قدیمی شیعه و سنی و دامن زدن به این اختلافت بود لذا گروهی از زواری که از آذربایجان بزیارت آمده بودند بهترین بهانه را بیه آنها داد. (گفته شده که ستارخان سردار ملی در آن زمان در میان این زیارت کنندگان بوده است) دامن نفاق و اختلاف وقتی بالا گرفت که به سنی‌ها خیر دادند که گروهی از شیعیان "عمرکشان" برآه انداخته‌اند. در این برادر کشی محمد پسر میرزای شیرازی هم بهلاکت رسید و خانه میرزا بیه محاصره سنی‌های متعصب درآمد.

امپریالیسم انگلیس فرصت را مغتنم شمرد و نماینده‌ای پیش میرزا می‌فرستد که اگر اجازه بدهید این ارادل او باشا را از کنار منزل شما دور کنیم ایشان با وجود و خامت اوضاع و با اینکه فرزند خویش را در این حادثه از دست داده بود و بیم خطر جانی نیز برای خودش میرفت، دست بسوی امپریالیسم انگلیس دراز نکرد و شجاعانه پاسخ میدهد ما برادریم و اختلاف فیما بین برادرها حل میشود. این جواب دندان شکن

براه می‌افتند که در بی‌نراه آخوند خراسانی بعلت نامعلومی فوت مینماید (در آن موقع شایع میشود که روسها آخوند را مسموم کرده‌اند) بعدها یعنی پس از تسلط انگلیسی‌ها بر عراق که بترتیب بصره را در سال ۱۳۳۳ قمری، بغداد را در سال ۱۳۳۶، موصل را در سال ۱۳۳۷ تصرف کردند و بندرینج قیمومیت نگلیس بر عراق در سالهای ۱۳۵۱-۱۳۳۹ بود که مسلم شد. در مقابل این تجا و زامپریالیسم انگلیس بود که میرزا تقی‌سی شیرازی مرجع تقلید شیعیان در عراق حکم جهاد داد و در نتیجه خلق‌های پیکار جوئی عراقی اعم از سنی و شیعه دوش بدوش هم علیه متجاوزین جنگیدند.

مسلط کردن خاندان هاشمی بر عراق توسط انگلیسی‌ها و استقرار سلسله فیصل در سال ۱۳۵۲ نمیتواند مبارزان شیعه را ساکت نماید و فصل جدیدی از مبارزات مردم زحمتکش شیعه عراق به سرکردگی علمایشان آغاز میگردد. با اوج مبارزات شیعیان علیه رژیم وابسته به امپریالیسم انگلیس چون امکان گسترده‌گی جنبش میرود ابوالحسن اصفهانی و میرزا حسین نائینی رابه تهران تبعید مینماید.

شیعیان عراق برای نجات خلقهای ستم دیده عراقی بارها برآه‌های گوناگون و در نهضت‌های مختلف بپا خاستند، آنان یکبار زیر پرچم شیخ عبدالکریم جزایری علیه حکومت خاندان هاشمی قیام می‌کنند و یکبار رنیز در نهضتی بسرکردگی بکر صدقی و یکبار هم در نهضتی به قیادت رشیدعالی فعلا نه شرکت جستند. نهضت‌های فوق که تحت لوای مذهبی برپا میگردد و خصوصیات ضد امپریالیستی و ضد استعماری شدید داشت خطر بزرگی برای استعمارگران بشمار میرفت.

در سال ۱۹۵۸ حکومت فیصل ها سقوط کرد و جمهوری اعلام گردید. در این میان شخصی بنام "میشل عفلق" با تلقیق نظرات فاشیستی موسیولینی و بارنگ کاذب "سوسیالیستی" آش در هم حوش در دستک دنیا محصور

## ادامه توطئه گری...

بقیه از صفحه اول

آنستکه این جلاد توطئه گر، اکنون این محتوا را زیر پوشش "ندامت و مسلمان شدن" بیان میکند و تقاضای بخشش برای "خدمت بیه اسلام دارد" و بدین وسیله به اسلام مبارزین توهین میکند.

او همانند گذشته با آزار و قدر قدرتی "ساواک سخن مگوید که گویا در همه جا نفوذ داشت. او همانند گذشته، مبالغ سرسخت و ادا دگی و برجسته ساختن جوانب منفی خلق است. یک جا صحبت از صدها شهیدی که ایستادند و برای خلق و آرمان‌هایشان شهید شدند، نمی‌کند. هر چه هست صحبت از ادا دگی مثنی کوچک زبون است و آنچه صحبتی از آن نیست ایستادگی هزاران شهید چون کوهی از مقاومت است.

او ادعای افشا رژیم را میکند ولی در سخنان او چیزی که نیست افشای رژیم و ساواک است و بر عکس هر آنچه هست لحن پراکنسی علیه نیروهای خلق و کذب است. او همانند گذشته، همسپان سیاست ضد خلقی تفرقه انداختن میان صفوف خلق، میان مسلمانان و کمونیست‌های واقعی را دنبال میکند و دامن میزند.

او همانند گذشته آشکارا برای پیاده کردن خط سیاسی و توطئه‌ها پیش دروغ میگوید چه توطئه را با حقیقت نمیتوان پیاده کرد.

مجموعه‌ی ترهات او در این دادگاه، لحن پراکنی و ضربه زدن به خلق و نیروهای مبارزان از یکسو و تبلیغ برای ایجاد نفاق میان صفوف خلق از سوی دیگر است. درست همان کاری که سال‌های سال در خدمت اربابان امپریالیستش انجام داد.

این حیوان دردمرگ چقدر سفیه است که میپندارد با اسلام نمائی و حمله به کمونیست‌ها میتواند دیرای خود را بجدیدی کسب کند. چقدر باطل است این پندار که اسلام مبارز با حیواناتی چون او کاری هست. اسلام مبارزان بیخ و بن با جلادانی چون او و مرز کشیده است. اما او از مدتی پیش تلاش داشت تا زیر پرچم ضد کمونیستی،

کشاید. اما او در این صحنه نیز دست از توطئه برنداشت تا شاید به خیال خامش بتواند نقشه خود را به مرحله عمل درآورد.

بدین خاطر است که حرفهای او در این دادگاه سخنان یک نادم صادق نیست. یک کارزار سیاسی، تعرض سیاسی ضد خلقی است که تحت پرچم "اسلام خواهی" کاذب و ضد کمونیستی انجام میگردد.

برای اینکار او آشکارا دروغ میگوید تا به فکر سفیه خود بتواند با لحن پراکنی علیه نیروهای خلقی توطئه‌اش را پیاده کند. ما تنها در مورد سا زمان خودمان که این حیوان همانند گذشته آنرا زیر حملات خود گرفتار است، چند نکته‌ای برای افشاء ماهیت توطئه او میگوئیم، که مشت نمونه خروار است.

او از هسته‌ی ۵ نفری سازمان انقلابی که بقول او ساواک در آن نفوذ کرده بود سخن میگوید. هسته‌ای که وجود خارجی نداشت، ۵ نفری که قبل از آمدن به ایران تنها سمیات سا زمان بودند و در جریان بوجود آمدن انحلال طلبی در سا زمان، از طرف سا زمان بعلت و ادا دگی اخراج شدند و با ابتکار خود به ایران آمدند.

او تلاش میکند با بستن سیروس نهان و ندی به سا زمان ما به لجن پراکنی و توطئه بپردازد. نهان و ندی که پس از آمدن به ایران از سا زمان ما جدا شد و سا زمان مستقل "رهائی بخش خلقهای ایران" را تاسیس کرد، بزنندگان افتاد و سپس تحت هدایت ساواک "سا زمان آزاد بخش خلقهای ایران" را ساخت که بوسیله آن به بسیاری از سا زمانها و گروههای انقلابی، منجمله سا زمان ماضربه زد، که این ضربه‌ها و ندی موجب شهادت ۶ تن از رهبران، کادرها و اعضای سازمان ما شد.

اما در جریان دادگاه‌های این دژخیم، مسئله خود او و تلاشهای مذبوها نهی توطئه گرانه‌اش امر مهمی نیست. در اینجا مسئله مهمتری مطرح است و آن شیوه صحیح برخورد، سرکوب و مجازات ضد انقلابیون است.

هدف از این کار چه بایسد باشد؟ اگر از منافع اکثریت خلق

توده‌های وسیع خلق افشا شود، حقانیت امر خلق برجسته تر شود و جریان سرکوب ضد انقلاب به یک جریان بزرگ در خدمت آموزش و وحدت خلق برای ادا مهی پرتوانتر انقلاب درآید.

اگر از منافع گروه کوچک و نه خلق، حرکت شود، هدف لزوما با منافع خلق در تضاد قرار میگیرد، سرکوب ضد انقلاب بعوض آموزش سیاسی و وحدت خلق، تبدیل به وسیله‌ای برای ایجاد نفاق، ضربه به خلق، تبلیغ و ادا دگی، بر جسته ساختن جنبه‌های منفی و عدم افشاء سیاسی دشمن گشته و بدتر از آن مرز میان دوست و دشمن قاطعی شده و در این میان تنها دشمن است که از این سیاست نا درست بهره میجوید، سیاستی که از حرکت از منافع تنگ نظرانه محدود برخاسته و موجب ضربه زدن به منافع عمومی خلق و رشد نفاق میان او شده است.

با در نظر گرفتن این دو سیاست است که با پدید رسیدن چار شرايطی ایجاد شده که تهرانی جلاد در دادگاه از متهم به اتهام زنده تبدیل شد؟

چرا دادگاه انقلاب که با پدید جلوه‌گاه افشاء رژیم و جنایات او و جلادش باشد، تبدیل به محل جولان یک دژخیم و حملات کثیف او به خلق شد؟

آیا کسانی هستند که به آن درجه از پستی یا حماقت تنزل کرده اند که می‌پندارند با توسل به یک جلاد، با استناد و تکیه به کشتار ضد خلقی او میتوانند بیه آرمانی خلقی خدمت کنند؟

وقتی که دژخیمی دادگاه‌ها را تبدیل به محل تبلیغات کثیف ضد خلقی میکند، روشن است که در سرکوب ضد انقلاب نه از منافع اکثریت و نه از منافع والای خلق و انقلاب، بلکه از منافع تنگ نظرانه محدود حرکت شده است و این به انقلاب بزرگ ماضربه میزند، و تنها با ایجاد نفاق، ضربه زدن به بخشی از خلق و ایجاد بی اعتمادی ما موجب ایجاد زمینه برای رشد فعالیت‌های ضد انقلابی امپریالیست‌ها میگردد.

آن موضع و خط مشی غلط که موجب میشود تا یک جلاد دادگاهی انقلابی را تبدیل به جولان‌گاه

و شجاعانه پاسخ میدهد ما برادریم و اختلاف فیما بین برادرها حل میشود. این جواب دندان شکنی یعنی خلق های ایران و عراق به هر حال متحدند و با امیرالایسم نمی توانند علیه یکدیگر متفق باشند، پاشای بغداد را در تنگنا قرار میدهد و وی دستور متفرق شدن مردم را میدهد.

پس از آن نقش علمای بزرگ شیعه مانند آخوند خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و میرزا حسین خلیلی که در آن روزگار بودند غیر قابل انکار است. کتاب معروف تنبیه الامم که میرزای نائینی در دفاع از آزادی و مشروطیت نوشت از جمله کتابهایی است که مرقی بودن علمای شیعه را اثبات مینماید.

هنگام جنگ جهانی اول و حمله امیرالایسم روس و انگلیس به ایران میرزا آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی اعلامیه و فتوا صادر میکنند و این تجاوز را محکوم مینمایند. آنان باین هم اکتفاء نکرده و همراه عده کثیری برای مقابله با متجاوزین

موسی کلبینی و بارنگ کاذب "سوسیالیستی" اش درهم جوشی درست کردند با حزب بعث از حزب بعث بعثت خصوصیات فاشیستی که در ردمی توانند با شیعیان روابط حسنه ای برقرار کنند. لذا بیهوده نیست که شیعیان با تمام سعی و کوششی که در مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری داشته اند همواره از مناصب دولتی برکنار بوده و هیچوقت در امور سیاسی شرکت داده نشده اند.

با این پشتوانه تاریخی و این همبستگی بزرگ است که کلیه فتنه ها و توطئه های ابرقدرت ها و عروسک های آنان در ایجا دنیای بیخون خلق های ایران و عراق محکوم به شکست است.

شکست امیرالایسم در اتحاد خلق های ستمکشیده جهان است. هر چه بیشتر نهضت شیعیان عراق چهره ضدنژادپرستی و ضد امپریالیستی میگیرد رژیم یعنی عراق بیشتر می ترسد. اتحاد خلق های عرب اعم از شیعه، سنی، آسوری، مانثیه، ویزیدی و... با خلق های ایران اعم از کرد، فارس و... علیه زورگویی و ستم امیرالایسم ناگستنی است.

### تصحیح

در جزوه ضمیمه رنجبر شماره ۱۳ (آنچه در خرمشهر گذشت)، عکس پیوستن مردم "جزیره مینو" بخاطر پشتیبانی از تحصن مسجد الصادق صفحه ۱۵، به اشتباه مجدداً در صفحه ۲۵ تحت عنوان "صف راهیمائی عظیم مردم آبادان برای پشتیبانی از تحصن خلق عرب به خرمشهر می رسد"، چاپ شده است که بدینوسیله از خوانندگان عزیز پوزش میخواهیم. عکس مربوط به راهیمائی مردم آبادان، در بالای صفحه ۱۵ چاپ شده است.

همچنین نام آقای مهدی دنیا بین اشتباه جزء لیست شهدا چاپ شده است. ایشان جراحات سختی داشتند ولی خوشختانه روبرو بهبودی یافتند.

### خواست بحق زنان

بقیه از صفحه هشتم ما از خواسته های بحق زنان کارآموز قاضی پشتیبانی میکنیم و مطمئنیم که برخواستن خود تا پیروزی یا فشاری خواهند کرد و با حمایت از انقلاب اسلامی و در وحدت با آن با عناصر عقب مانده ضد آزادی مبارزه خواهند نمود آنها نخواهند گذاشت مبارزه شان به صورت وسیله ای برای گروه های ضد انقلاب اسلامی برای ضربه زدن و تضعیف آن درآید.

ما از مقامات مسئول مصرات خواها نیم که به خواسته های بحق این زنان قاضی جواب گفته و بارفیع ستم از آنان نگذارند تا اینگونه اعمال ستمگرا نه موجب تضعیف انقلاب گردد.



حج و بن با جسدهای چون آواز مدتی پیش کشیده است. اما آوازه مدتی پیش تلاش داشت تا زیر پرچم ضد کمونیستی، خود را نجات دهد و به توطئه گریهای خود ادامه دهد. چه چندی قبلاً از زندان نامه ای نوشت و پیشنهاد ایجاد سازمان جدیدی برای مبارزه با کمونیسم کرد، طرح این کار و "خدمات" خود را عرضه داشت، اما اسلام مبارز را چون حیوان کثیفی که لایقش است بدادگاه



بقیه از صفحه اول ستون چهارم

تعدادی از کسانی که آنها هم منتظر ورود داخل بودند به ما موریسین اعتراض کردند که فرق این خیرنگار با خیرنگاران دیگر چیست و چرا او را راه نمی دهید. به مسئولینی که در بیرون مشغول دادن کارت ورودی به اقوام شهدا و اقوام خودشان و تماشاچیان بودند، مراجعه کردم و آنها هم گفتند که نمی توانم وارد شوم و در مقابل اعتراض من گفتند که منتظر باش تا با داخل تماس بگیریم و نتیجه را بعداً با اطلاع خواهیم رسانند.

تا ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه چندین بار دیگر به آنها مراجعه کردم و بالاخره یکی از آنها گفت که چون تو خبرنگار هستی می توانی بروی و در آنجا بمانی تا خبرنگار از آنجا بیرون بیاید. برای دیگران جایی باقی نمی ماند. در مقابل اعتراض من که چرا خبرنگار خارجی و ایرانی وارد شدند و یک سال زمان سیاسی دیگر که اصلاً هیچ ارگان تبلیغی ندارد، راه داده اید، یکی از مسئولان گفت: با دادستان تماس میگیریم تا او در این مورد تصمیم بگیرد.

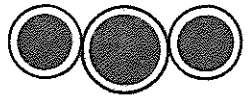
در حدود ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه بود که مصطفی ستوده یکی از ما موران به بیرون آمد. از او سوال کردم که نتیجه چه شد؟ او ادا کرد که "دادستان گفته از ورود تو جلوگیری بعمل آید." و ادا داد "اگر از اولش نمی گفتمی که"

هدف از این کار چه باشد؟ اگر از منافع اکثریت خلق حرکت کنیم، هدف سرکوب ضد انقلاب، اقصاء سیاسی دشمن، انفیضاد بیشتر و مجازات و از میان برداشتن اوست. هدف آموزش سیاسی توده های خلق است، تادری طی جریان مجازات و سرکوب ضد انقلاب، آگاهی سیاسی خلق بالا رود، حنا یات دشمن از طبرف

### گزارشی از روستاهای...

را با ما موریسین کمیته که حتماً باید رشوه هم بآنها داده باشد انجام میدهد و سر زمین میآید. حالا چندین دلیل داریم که او و کمیته امام مقصراصلی بوده اند: اولاً چرا این مالک بجای آوردن کمیته از "علی آباد"، از "خان به بین" افرات مسلح آورد. چون ما جزو منطقه علی آباد هستیم، ثانیاً گندمهای او هنوز کوتاه و سبزند چرا باین زودی کمبایش را سر زمین آورده و شروع به درو کرده است. ثالثاً گندمهای او جمعا ۲۵۰ کیسه بیشتر نمیشود یعنی این شخص دارای ۷ هکتار بیشتر زمین نیست، در اینصورت سهم دهقانان ناچیز است. بنا بر این همانطوریکه می بینید

خبرنگار رنجبر هستی تو را بعنوان تماشاچی هم که شده، راه میدادم. تا ساعت ۱۲ در آنجا معطل شدم و او که مرا بخوبی شناخته بود هر لحظه که از جلویم رد میشد پوزخندی میزد. و بالاخره دوباره تکرار کرد که اگر خبرنگار رنجبر نبودى راحت میدادم. من که ناراحت شده بودم با او گفتم من فقط بعنوان خبرنگار رنجبر می خواهم وارد شوم، و این مسئله، مسئله شخصی من نیست. و باز گفتم.



ان موقعی و خط مشی غلط که موجب میشود تا یک جلاد دگانه ای انقلابی را تبدیل به جولان گاه تبلیغات کثیف خود بکند، دیر یا زود با خود را اصلاح میکند یا منفرود میگردد.

خط روشن و قاطعی میان خلق و ضد خلق ترسیم کنیم و سرکوب ضد انقلاب را بیک جریان وسیع و متحد سیاسی برای وحدت و آموزش خلق تبدیل نمائیم.

توطئه ای بود که قبلاً چیده شده بود. ما با این مالک هیج خصوصی نداشتیم و رابطه خوبی هم با او داشته ایم. اینکه چرا دست باینکار زده برای ما عجیب است. در هر حال مسئله هنوز هم بوی ماگنگ و ناروشن است. از طرفی ۵ نفری که مورد اصابت گلوله قرار گرفته اند از ۱۲ تا ۱۴ ساله هستند که اینها در رودخانه نزدیک زمین این مالک هر روز آب تنی میکردند و پمپض دیدن کمباین، چون برایشان جالب بوده، دنبالش راه می افتند به همه آنها گلوله از پشت اصابت کرده و آنها نمی توانستند فرار مسلح را خلق سلاح کنند و اگر افراد کمیته تیر هوایی شلیک میکردند آنها از اطرف کمباین فرار میکردند. اینطور بنظر میآید که توطئه ای در کار بوده است."

از آنها سوال شد: برای برداشت محصول خودتان مستقیماً اقدام می کنید؟

گفتند: "ما تابع ستاد خلق ترکمن هستیم، ما با زمینداران کاری نداریم و ستاد خودش با زمینداران بتوافق میرسد. هرچه ستاد بگوید همانست. دهقانان از ما خواستند که در نشریه مستقیم ما از نخست وزیر بخواهیم که باین مسئله رسیدگی کند و بخواهیم که چرا کمیته بدستور این مالک مردم را بگولهد بست؟ در آخر گفتند: "با زمانندگان شهیدان خواستار محاکمه و تیرباران فوری مسبین این حادثه هستند و دولت باید اینکار را بکند تا نشان دهد پشتیبان آنهاست."

## شوروی کشوری...

بقیه از صفحه هشتم

جنگ روسیه در ایران بخاطر تجاوز ایران بخاک روسیه انجام شده و معاهده ترکمانچای نیز پیمانی نابرابر نبود بلکه باعث شد که حق تجارت آزاد برای تجار هر دو طرف برسمیت شناخته شود! در اینجا بد نیست یادآوری کنیم که مارکس در رابطه با همین پیمان ترکمانچای نوشت که: این پیمان نابرابر ایران را "جزوتیول" روسیه نمود. و در رابطه با سیاست روسیه تزاری در چین چنین نوشت: "سیاست دولت تزاری در چین سیاسی جنایتکارانه است." بطور کلی مطبوعات روسیه مکرراً ادعا کرده اند که ملت‌های قزاقی، قرقیزی، ترکمنی، یاشگیری، آذربایجانی، ارمنی، گرجی، اوکراینی، ملداوی و غیره همگی "بمیل و تقاضای خودشان" به روسیه تزاری ملحق شده اند! (جل الخالق!) نتیجه این ادعاها و تئوری بافی‌های فاشیستی چیست؟ اینکه دارودسته‌ی فاشیستی برژنف - کاسیگین خود را سرور و آقا و ارباب کلیه ملیت‌های دیگر شوروی فرض میکنند، هر وقت دلشان خواست رهبران آنها را عزل و نصب میکنند، بمیل خود برایشان بر نامه میریزند و هر کس هم که صدایش در آید شدت سرکوبش میکنند. مثلاً در جمهوری اوکراین اکثریت کا در رهبری جمهوری یکبار در سال ۱۳۵۱ و با زیکار دیگر در سال ۱۳۵۵ بدستور برژنف اخراج شدند. در سال ۱۳۵۵ رئیس ودونا یب رئیس مجلس شورای عالی اوکراین ۱۴ نفر دیگر که مقامهای معاون صدر، وزیر و رئیس شورای عالی وزیران داشتند و تقریباً تمام دبیرهای کمیته‌های عالی حزبی بیکباره اخراج شدند. علت این اخراج چه بود؟ بالا گرفتن مبارزات مردم اوکراین در سال ۱۳۵۱ در یکی از بزرگترین شهرهای صنعتی اوکراین یعنی دیپروتیرو سک اعتصاب‌های کارگری بزرگی انجام گرفت. در بهار سال ۱۳۵۲ دانشجویان دانشگاه اوکراین تظاهرات وسیعی علیه ستم ملی تزارهای کرملین انجام دادند که با پخش وسیع جزوات و اعلامیه‌ها همراه بود. بالا گرفتن این مبارزات سبب شد که دارودسته برژنف - کاسیگین از یکطرف به سرکوبی شدید مردم اوکراین بپردازد و از طرف دیگر به عنوان اینکه مسئولین حزبی و دولتی اوکراین نتوانسته‌اند وظایف خود را انجام بدهند و "بقایای ناسیونالیسم را از بین ببرند" آنها را اخراج کرده و بجای آنها عناصر روس را بگمارند. این برنامه‌های سرکوبی و اخراج در تمام جمهوریهای غیر روسی دیگر نیز کاملاً انجام میشد. مثلاً در بین سالهای ۱۳۵۶ - ۱۳۵۱ تعداد ۱۱۸۴۶ نفر از رهبران حزبی و دولتی جمهوری قرقیزستان از کار برکنار شدند. در ماه مه ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) یکی از اعضای سازمان جوانان حزب کمونیست جمهوری لیتوانی بعنوان اعتراض به ستم ملی رویزیونیست‌ها خود را قربانی کرد. سدنبال آن هزاران نفر دانشجویان و دانش‌آموزان اوکراین و گریا فریادهای "آزادی برای لیتوانی" بخیا بانها ریختند و به تظاهرات پرداختند. در سال ۱۳۵۲ در زندان‌های سیاسی "مزد اویا" و "پرم" زندانیان بعنوان اعتراض به ستم ملی دولت روسیه دست باعتماد غذا زدند. در تابستان ۱۳۴۸ شش هزار نفر از زندانیان قزاقستان بعنوان اعتراض به وضع خود دست از کار کشیدند. بدستور دولت فاشیستی شوروی سربازان روس همه زندانیان را به گلوله بستند. در سال ۱۳۴۹ زندانیان زندان "بوتما" دست به شورش زدند. پلیس شوروی همراه با مامورین خونخوار پلیس مخفی (کا.گ.ب) این زندانیان را سرکوبی کرده و با کشتن ۵۰ نفر از آنها شورش را خاموش کردند.

در هر کجا که ستم هست مبارزه هم هست. و تا موقعی که دارودسته خائن برژنف - کاسیگین در شوروی حکومت میکنند و تا زمانی که ستم ملی در شوروی وجود دارد، مبارزه خلق‌های قهرمان تحت ستم شوروی علیه این ستمگرها نیز ادامه خواهد یافت. بگفته‌ی یک مهندس ارمنی که در زندان سیاسی "پرم" زندانی است "بدون دادن قربانی نمیتوان آزادی را بدست آورد. ممکن است ما بکلی از میان برویم ولی هیچوقت تسلیم نخواهیم شد و تا پیروزی نهائی خواهیم جنگید. ما با این امر سوگند خورده‌ایم

## رویدادهای جهان



### رژیم تره کی اعتراض می کند

دولت وابسته به روس تره کی که به غلط عضو کشورهای غیر متعهد است، ایران را متهم به دخالت در امور داخلی این کشور، از طریق طرح مسالسه‌ی تشییع نموده و اعلام کرده است که تا تشکیل کنفرانس هاوانا، ایران باید در این زمینه حسن نیت نشان دهد و گرنه با عضویت ایران در جنبش کشورهای غیر متعهد مخالفت خواهد کرد.

این موضع دولت وابسته تره کی، یادآور آن مثالهایی است که میگوید کسی را به دهر راه نمیدادند، سراع کدخدایان را میگرفت.

آیا هیچکس در وابستگی رژیم تره کی به امپریالیسم روسیه کوچکترین شکی دارد؟ رژیم تره کی در عرض تنها یکسال که از عمر ننگینش می‌گذرد، بیش از ۲۵۰ قرار داد اسارت با رباها امپریالیستهای روسیه امضاء کرده و هم اکنون مستشاران نظامی روسیه و هواپیماهای روسی، میهن پرستان و خلق‌های مبارز افغانستان را کشتار می‌کنند.

با در نظر گرفتن جنبش واقعیاتی، غیر متعهد بودن رژیم تره کی زیر سؤال است، نسه انقلاب اصیل مستقل و متکی بخود ایران که این چنین مورد حملات دارو دسته مزدوران روس قرار گرفته است.

اتهامات و قبیاحتها دارودسته تره کی بوشی است برای جنایات او، تا اینطور وانمود کند که جنبش ضد امپریالیستی مردم افغانستان، گویا اصالت ملی ندارد و از خارج تحریک می‌شود. این حرکت رژیم افغانستان همچنین تلاشی است برای اینکه انقلاب ما را تحت فشار قرار دهد و از حمایت خلق‌های میهن ما از جنبش خلق‌های ملی افغانستان جلوگیری کند.

اراحیف رژیم تره کی نمیتواند ذره‌ای از حمایت مردم ما را از ستم‌دیدگان مبارز افغان بکاهد، و این رژیم وابسته به روس تره کی است که باید در برابر بیش از ۹۰ کشور جهان سوم با سخنگوی جنایات خود و اربابان روسی‌اش نسبت به خلق‌های مبارز افغانستان باشد.

### ایران و جنبش غیر متعهدها

ششمین کنفرانس کشورهای غیر متعهد ماه سپتامبر در هاوانا (پایتخت کوبا) برگزار خواهد شد. کشور ما پس از پیروزی انقلاب و بیرون آمدن از پیمان نظامی سنتو، بعنوان یک کشور غیر متعهد تقاضای عضویت در این جامعه را کرده و به آن خواهد پیوست.

کشورهای غیر متعهد ترکیب نامتجانسی را تشکیل می‌دهند.

## نیکاراگوئه

مبارزات انقلابی در نیکاراگوئه بطور روز افزون و چشم گیری در حال رشد و گسترش است. توده‌های وسیع مردم بپا خاستند تا رژیم جنایتکار روبا بسته به امپریالیسم آمریکای "سوموزا" را به زباله‌دان تاریخ ریخته و کشوری، مستقل و متکی بخود بنمایند.

خاندان جنایتکار "سوموزا" بیش از ۴۰ سال است با تکیه به امپریالیسم آمریکا برای این کشور ۳ میلیونی حکومت میکنند و با "گارد ملی" ده هزار نفره اش اختناق خونینی را در این سرزمین برقرار کرده و بسرکوب وسیع خلق پرداخته است. در عین حال رژیم "سوموزا" گروه‌های تروریستی مانند "دست سفیدان" را هم برای ترور رهبران جنبش و ایجاد رعب و وحشت در بین مردم بوجود آورده است.

مبارزه مسلحانه اخیر و به همراه آن اعتصابات سرتاسری که از دو هفته پیش آغاز شده، ضربات سختی بر رژیم منحط "سوموزا" و اربابان امپریالیستی اش بویژه آمریکا وارد آورده است. بطوریکه زشواهد امر، یعنی فرار آمریکائی‌ها و کشیده شدن جنگ به پایتخت بر می آید، علیرغم کمک وسیع امپریالیسم آمریکا، رژیم "سوموزا" در سراشیب سقوط قرار دارد.

اگر قدرت شوروی نیز در طی سالهای اخیر تلاش نموده است که از طریق نفوذ در درون سازمان‌های مبارز و دادن باصلاح کمک به آنها این کشور را بعد از استقلال از آمریکا، بخود وابسته سازد.

خلق قهرمان نیکاراگوئه با مبارزات و جانفشانی خود نشان داده است که در مقابل توطئه‌های دوا بر قدرت، بویژه غارت و ستم امپریالیسم آمریکا هر چه باشد، راه بجلومیشاید و آینه مطمئن از آن اوست.

بویژه علیه کارزار وابستگی به امپریالیسم روسیه که از طرف کوبا، ویتنام و... بر راه افتاده است مبارزه کنند و نگذارند که میهن ما زیر شعاع‌های ضد امپریالیسم



آزادی را بدست آورد. ممکن است ما بکلی از میان برویم و ملیتی هیچوقت تسلیم نخواهیم شد و تا پیروزی نهائی خواهیم جنگید. ما باین امر سوگند خورده ایم

## تحصن کارگران

بقیه از صفحه سوم  
با دیگران منعقد کرده به خود تا سیات آکام  
۴- انجام تعهدات بدون قید و شرط کارفرما (آقای احمد لاجوردی)، که در مورخه ۲۳/۱/۵۸ در وزارت کار با حضور معاون وزارت کار آقای صدوقی انجام شده.  
۵- در اختیار گذاشتن مواد اولیه جهت شروع کار از طرف کارفرما.  
۶- پرداخت سود ویژه سال ۵۷ و حقوق اردیبهشت و خرداد ۵۸ بر اساس صورت جلسه مورخه ۲۲/۱/۵۸  
۷- پرداخت اقساط تعاونی مصرف و اعتبار به شرکت تعاونی مصرف و اعتبار کارفرما از کارکنان کسر کرده و به تعاونیها پرداخت ننموده است.  
۸- پرداخت ۷٪ حق بیمه که از کارکنان کسر می کنند به بیمه های اجتماعی.

او ادامه داد: مدت شش ماه است که کارفرمایان تاسیسات آکام (فلزوبتون) آقایان، خسرو رحمانی کیا، جواد خادم احمد آبادی (وزیر آبادانی) و مسکن کابینه بختیار)، سروآستیا نیان و احمد و علی و حمید لاجوردی، تاسیسات را بطور عمدی تعطیل کرده اند و تصمیم به اخراج کارکنان گرفتند و تعداد ۲۸ نفر از کارکنان ترا اخراج کردند و اقدام بفروش مواد اولیه نمودند، بر همین اساس کارکنان تصمیم به منحل کردن سندیکای قبلی و تاسیس سندیکای واقعی کارکنان نمودند (شورای منتخب کارکنان آکام) این شورا توانست با وجودیکه کارفرمایان فراری شده بودند عوام را از فروش مواد اولیه منع کند و کنترل اوضاع کلی تاسیسات را بعهده گرفتند و توانستند از دی ماه ۵۷ تا الان تاسیسات را بنحوا حسن اداره کنند. عوام مل کارفرما با رها خواستند کارگران را به خاطر ادعائی که از دولت داشتند به کوچه و خیابان بکشاند کارفرما اظهار میداشت

که من از دولت طلب کار هستم بروید و طلب مرا وصول بکنید تا من شما حقوقتان را پرداخت کنم. در صورتیکه طبق قانون کار حقوق کارکنان جزء دیون ممتاز زه کارفرما محسوب نمیشود و در حال حاضر شورای منتخب کارکنان مقدمات وصول طلب های کارفرما را از دولت فراهم میکند.

## در باره جنبش

بقیه از صفحه سوم  
کنند و مبارزه برای دفاع از حقوق و بهبود شرایط کار روزندگی خود را در خدمت مبارزه عمده یعنی امر استقلال کشور، حفظ وحدت ملی و تعمیق انقلاب قرار دهند. کارگران ضامن باید با هوشیاری کامل از رخنه کردن عوامل رژیم سابق و عوامل کمینته مرکزی حزب توده که وابسته به سوسیال امپریالیسم شوروی هستند بیدار و با خل سا زمانهای منفی - سیاسی خود جلوگیری کنند و با آخرین کارگران باید مواظب باشند تا تحت تاثیر شعارهای بظا هر انقلابی بعضی گروههای با اصطلاح "چپ" مبارزات اقتصادی خود را تا سرحد از بین بردن وحدت ملی توسعه ندهند.

بکاراننداختن چرخهای اقتصادی کشور، تامین رشید اقتصادی و خودکفائی و عدم وابستگی بیه خارج و تامین رفاه کارگران با ایده هدف مشترک دولت، سرمایه داران ملی و کارگران در این مرحله باشد. در این رابطه، کارگران با نیروی وحدت خود با جمهوری اسلامی و نیروهای خلقی در جامعه، حساب بکنند و مبارزات اقتصادی خود را با این مبارزات تلفیق دهند. تنها از طریق تقویت و تحکیم استقلال و وحدت ملی است که طبقه کارگران بتوانند در شرایط کنونی میتوانند مبارزه برای بهبود شرایط کار روزندگی خود را به پیش ببرند.

جنبش غیر متعهدها با پدید آمدن منافع بلوک، حتی اگر رنگ سوسیالیستی داشته باشد، "موضع گرفت، در حقیقت موضعگیری وزیر خارجه یوگوسلاوی اشاره ایست به تلاشی که ابرقدرت روس، توسط سرسپردگان در جنبش غیر متعهدها بخصوص ویتنام و کوبا، بکار میبرد تا "اردوگاه سوسیالیسم" یا بیه عبارت دیگر ابرقدرت شوروی و اقمارش را "متحد طبیعی" جنبش غیر متعهدها نشان دهد و لزوم وابستگی این جنبش را به "متحد طبیعی" اش تبلیغ نماید.

پیوستن کشور ما به این جنبش گام مهمی در تقویت استقلال میهن ماست. اما، ما بجائی میرویم که در آن یک مبارزه شدید سیاسی وجود دارد. مبارزه ای میان کشورهایی که میخواهند استقلال و عدم تعهد جنبش غیر متعهد را حفظ کنند، و کشورهایی که میخواهند این جنبش را وابسته به روسیه یا آمریکا نمایند.

نمایندگان کشور ما باید بدسته اول کشورهای فوق الذکر متحد شوند و

پیوست. کشورهای غیر متعهد ترکیب نامتجانسی را تشکیل می دهند. اکثریتی از آنها می خواهند غیر متعهد باشند و تلاش می کنند از یوغ و وابستگی های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم، بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روس، درآیند. دسته دیگر کشورهای هستند که بدرجات مختلف به آمریکا یا روسیه از نظرهای گوناگون وابسته اند. مثلا مصر به آمریکا، ویتنام و بویژه کوبا به روسیه. اما حرکت عمومی جنبش کشورهای غیر متعهد یک حرکت استقلال طلبانه از امپریالیسم است. از این رو تقویت این حرکت، زدودن وابستگی کشورها از این جهان سوم به امپریالیسم دارای اهمیت فراوانی است. در چند سال گذشته، حرکت استقلال طلبانه در میان کشورهای غیر متعهد تقویت شده و نمونه ای از آنرا میتوان در پیام رئیس جمهور سربیلانکا (رئیس اجرائی این دوره) یافت. وی در پیام خود از کشورهای عضو دعوت کرد تا "از درگیری در

## تجولات اخیر

بقیه از صفحه اول  
نیمی که توسط دو عنصر ضد عرب ساخته شده است، باعث قطع دست یکی از سازندگان بمب و چند برادرش میشود.

روز سه شنبه ۲۲ خرداد بدعوت کارکنان فرهنگ خلق عرب، یک راه پیمائی از محله عرب نشین "کوت شیخ خرمشهر تا مسجد امام المصدق صورت میگردد. صف تظاهرات کنندگان از آغاز ۲۰ نفر و در مقابل مسجد، که یک قطعه ای ۹ مده ای تهیه شده از طرف کارکنان فرهنگ خلق عرب قرائت میشود، در حدود ۲ هزار نفر میرسد.

جمعیت تظاهرات کننده همچنین در مسیر خود در مقابل فرمانداری شهر خرمشهر با دادن شعار میبردند و از جمله خواستار برکناری استاندار و آزادی زندانیان بیگناه خلق عرب میشود.

ویتنام و... برای افتاده است مبارزه کنند و نگذارند که میهن ما زیر شعارهای فدا میریالیسم آمریکا، بصورت متحد امپریالیست های روسی در این جنبش درآید. مردم ما در انقلاب شکوهمندشان فریاد نه شرقی، نه غربی را زدند، این فریاد با بدره نمون نمایندگان ما در این جنبش باشد و آنان بعنوان نمایندگان یک انقلاب مستقل، ملی و متکی بخود باید پرچمدار تبلیغ استقلال و تکیا به نیروی خود باشند و به تمام کشورهای نامنونه انقلاب اسلامی ایران را یا آورشوند و یگویند که برخلاف ادعای ابرقدرتها، ملتی میتواند بدون اتکا به یکی از دوا بر قدرت انقلاب کند و پیروز شود و تنها راه پیروزی همین است. ما برای هیئت نمایندگی ایران آرزوی موفقیت داریم و امیدواریم پیوستن انقلاب پیروزمند ما به جنبش کشورهای غیر متعهد موجب تقویت خط مشی مستقل و غیر متعهد و ضد امپریالیستی در آن شود.

و هواداران جمعیت "اراده الحیات" در آن شرکت داشتند، در آغاز از طرف برخی از عناصر "چپ" نمایی از حمل شعار "نه آمریکا، نه روسیه، زنده باد خلق عرب" و عکس امام خمینی که توسط گروه "اراده الحیات" حمل میگردد، جلوگیری میشود. جمعیت در حدود ساعت ۸ شب به جفت آباد می رسد و یادشده ای خلق را گرامی میدارد و همگان قطعنامه ای ۹ ماده ای روز سه شنبه با ردیگر قرائت میشود. مردم سپس در صفوف مرتب به مسجد امام المصدق بر میگرددند و سپس متفرق میشوند.

توده های خلق عرب توطئه های فدا انقلابی رژیم بعث عراق و عوامل بعثی آن را شدیداً محکوم میکنند. اوضاع در سطح آرام است ولی مسائل اساسی هنوز لاینحل باقی مانده اند.



# شوروی : کشوری امپریالیستی (۱)

ششم ملی (۲)

استعمارگران جهان برای اینکه جنایات و ستمگریهای خودشانرا توجیه کنند همیشه ادعاهای عجیب و غریب میکرده اند. مثلاً استعمارگران کهن انگلیس، فرانسه، روسیه و غیره مدعی بودند که هدفشان از استعمار در واقع "متمدن کردن" مستعمراتشان است. یا اینکه مثلاً عنوان میکردند که قصدشان از این تاجا و زات بسط و توسعه ایمان به خداست آنها به نقاطی که اشغال میکردند هیئت های مذهبی میفرستادند تا با صلاح خودشان به نشر مذهب مسیحی در میان کفار بپردازند و اینرا هدف تاجا و زاتشان جلوه میدادند. بعضی دیگر از این تاجا و زگران هم مدعی بودند که هدفشان "نجات بشریت" است. اینها میگفتند که چون خودشان از نژاد برتری هستند اگر کشوری را اشغال کنند ملت آنجا رهبری بهتری پیدا میکند و در نتیجه "نجات" مییابد. مثلاً هیئت را دعا میکرد که چون نژاد آریایی از همه ی نژادهای بشری بالاتر است پس راه نجات بشریت اینست که آریایی ها همه ی جهان را تصرف کنند.

این حرفها همه در واقع بهانه های برای توجیه ستمگری ملی از طرف استعمارگران هستند. در مقابل این مزخرفات، مارکسیست - لنینیستها معتقدند که اولاً هر ملت خود به طبقات اجتماعی تقسیم میشود و بنا بر این در بر خورد به هر مسئله سیاسی باید از دیدگاه طبقات اجتماعی جانگیری کرد و نه از دیدگاه ملتها. ثانیاً طبقه کارگر و سایر طبقات واقعا رزحمتکش هر ملت دارای نیروی خلاقه لایزال بوده و سازندگان واقعی تاریخ هستند و با لخره اینکه گرچه زحمتکشان هر ملت دارای خصوصیات ملی مستقل هستند اما هیچ ملتی هیچگونه برتری ذاتی بر ملت دیگری ندارد. حالاببینیم دارودسته ی برژنف - کاسیگین در این باره چه میگویند.

در کنگره ی ۲۴ حزب رومیونیستی شوروی در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) برژنف اعلام کرد که ملت روسیه سفید "بحق احترام عمیق سایر ملیتهای شوروی را بخاطر انرژی انقلابی، حس فداکاری و سایر خصوصیات خود بدست آورده است". بعد از این کنگره مطبوعات شوروی خیلی رک و راست تر این موضوع را مطرح کردند. آنها مفلانوشند که ملت روسیه سفید دارای "خمیره ی خاص روسی" است که از دوران باستان در آن وجود داشته. آنها در ضمن مدعی شدند که "ملیت های غیر روسی فرزندان خلف روسهای کبیر" هستند. طولی نکشید که مطبوعات روسیه تشروری ورشکسته برتری، نژاد اسلاو، وپان - اسلاویسم را پیش کشیدند و مدعی شدند که "سنت های مشخص کننده اسلاوها از ابتدای بشریت وجود داشته اند". آنها در کتابی بنام "خطوط اصلی تاریخ اسلاوهای جنوبی و غربی" که در شوروی چاپ شده اعلام کردند که روسها پدر بزرگ اسلاوها هستند و ملت های اسلاو دیگر (منظورشان ملت های اروپای شرقی است) قوم و خویشهای صغیران هستند و بنا بر این "هر کس با روسها مخالفت کند در واقع با ملت اسلاو مخالفت کرده است". طولی نکشید که مطبوعات روسیه کار را با نجا رسانند که نوشتند "هیچوقت، در هیچ زمان و مکانی در جهان چنان شخصیت انسانی چون شخصیت روسهای سفید وجود نداشته است" فردریش انگلس در سال ۱۸۸۲ نوشت "در واقع پان اسلاویسم حيله بزرگی برای تسلط بر جهان است در زیر ما سک ملت اسلاو که، هیچوقت وجود خارجی نداشته است" (تکیه از ما است).

اما دارودسته ی برژنف - کاسیگین با این هم اکتفا نکرده برای

## نهضت شیعیان عراق

که ایرانی ها و صهیونیست هادست در دست هم دارند و در نتیجه ایرانیها فدا سلام و فدا عربند. با دستاویز قراردادن چنین مسأله بود که در چند سال گذشته بسیاری از ایرانیان از عراق رانده شده اند. اعمال فشار برای خروج امام خمینی از عراق نیز از جمله کارهایی بود که خلقهای ایران و عراق آنرا بر رژیم فاشیستی بعث هرگز نخواهند بخشید.

این اولین بار نیست که حکومت بعث سیاست سرکوب و اختناق را در قبال شیعیان در پیش میگیرد، چند سال پیش نیز ضمن سرکوب تظاهراتی، پلیس های مزدور بعثی چند تن از شیعیان زحمتکش و منجمله سه تن از علمای شیعه را بقتل رساندند. راستی چرا بعثی ها از وحدت خلقهای ایران و عراق وحشت دارند؟

بقیه در صفحه ششم

در ۱۹ و ۲۰ خرداد خانه آیت الله سید محمود باقر صدر توسط سازمان امنیت عراق بمحاصره درآمد. پس از بازداشت آیت الله موج تظاهرات چنان بالا گرفت که رژیم بعثی عراق جز آزادی ایشان چاره ای نیافت. حضرت آیت الله خوئی به عنوان اعتراض به این عمل نجف را ترک گفتند و در مسجد کوفه تحصن گزیدند.

آیت الله صدر پس از آزادی از دست عمال رژیم بعث در اعلامیه ای نژاد پرستی و ستم فاشیستی بعثی ها را محکوم کرد. بدیهی است که صاحب چنین کلامی نمیتواند و نباید مورد پسند و رضایت عمال بعثی قرار گیرد. کسانیکه با آویزان شدن به طناب پوسیده ی حزب فاشیستی بعثت میخواهند حرکت تاریخ را متوقف نمایند، بعثی ها زمانی با هم هویت کردن شیعه و رژیم کتیف پهلوی میخواهند و نمود کنند



برژنف: در امور داخلی افغانستان دخالت نکنید!

«زیست نامه سیاسی» کیانوری

## برگهائی از کارنامه سپاه

### کمیته مرکزی حزب توده

با نزد دهم خرداد که پیش آمد، کمیته مرکزی حزب توده خود را در وضع بسیار نامناسبی دید. جنبشی که ۱۵ سال قبل به آن سرچسب "ارتجاعی" زده بود پیروز شده و در موقعیت حاکم قرار داشت و از اینرو لازم بود که کمیته مرکزی به نوعی خود را توجیه کند، یک کارزار بزرگ تبلیغاتی را برای خام کردن مردم برپا کرد. کارنامه این دارودسته سپاه تر از آن است که کسی را بفریبد. در اینجا تنها چند برگ از این کتاب قطور خیانت به ملت را ورق میزنیم. **ارزیابی آنها از قیام ۱۵ خرداد:** اپوزیسیون راست دربراه انداختن این تظاهرات ابتدا دخالت داشته و کوشید از این جریان بسود خود استفاده کند (سالنامه توده، ص ۲۲۳).

دارودسته کمیته مرکزی، سالها جرات بردن اسم شاه را در نشریات خود نداشتند و خواب تشکیلات حکومت ائتلافی را با او می دیدند و تنها انتقادشان به رژیم وابسته شاه، عدم اجرای قانون اساسی بود. مثلاً:

مهمترین نقطه ضعف حکومت مطلق، عدم رعایت اصول مندرج در قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر است. ... (از سند تحلیلی حزب، سالنامه توده، ص ۱۵۸)

\* ارسال نامه های سرگشاده به مجلس های شورا و سنا و در پیوزگی برای علنی شدن و شکرکت در انتخابات رژیم شاه (مثلاً مردم شماره ۲۹، دوره ۶، مرداد ۱۳۴۶).

ایرج اسکندری دبیرکل آن موقع حزب در کنگره ۱۰ حزب رومیونیست بلغارستان از اقدامات "ترقی خواهانه" و "مثبت" رژیم منفسور شاه پشتیبانی می کند: بهمین جهت است که حزب توده ایران در عین اینکه از اقدامات ترقیخواهانه بمنظور از بین بردن مناسبات فئودالی تولید و نیز اقداماتی که در جهت صنعتی کردن و مدرنیزه کردن کشور میشود پشتیبانی میکند...

تسلط بر جهان است در زیر ما سنگ ملت اسلاو که، هیچوقت وجود خارجی نداشت است" (تکیه از ما است).

اما دارودسته‌ی برژنف - کاسیگین با این هم اکتفا نکرده برای اثبات برتری نژادی خودشان دست به توجیه جنایات و تجاوزات تزارهای روسیه هم زده‌اند. مثلاً در جلد ۱۲ داوره المعارف شوروی در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) مینویسند که: "بشکرانه ضمیمه شدن قرقیزستان به روسیه تزاری زحمتکشان قرقیزستان ازستم وحشیانه فئودالی خکندخان نجات یافتند". یعنی تزارها خیلی هم لطف فرموده‌اند که با نیروی نظامی قرقیزستان را اشغال کرده و استقلالش را از میان برده‌اند! در کتاب "تاریخ نوین چین" (چاپ ۱۳۵۱ - ۱۹۷۲) مینویسند که: "روسیه تزاری برخلاف دیگر قدرتهای اروپائی، سیاست حسن همجواری را با چین در پیش گرفته بود" و بالاخره در کتاب "تاریخ جهان" چاپ شوروی در رابطه با تجاوزات روسیه تزاری به ایران مینویسند که: **بقیه در صفحه هفتم**

## خواست بحق زنان کارآموز قضائی

در روز بیست و چهارم خرداد، کارآموزان قضائی زن با تصویب قطعنامه‌ای موقتاً به تحصن خود پایان دادند. در بخش‌هایی از قطعنامه میخوانیم: "ما کارآموزان قضائی زن، ضمن حمایت از مواضع ضد امپریالیستی رهبران انقلاب و اعتماد کامل به اصالت انقلاب ایران، که زنان از جان گذشته‌ی میهن نیز نقش عمده‌ای در آن داشتند، اعلام میداریم که هرگز اجازه نخواهیم داد تحت هیچ عنوان، اختلاف جنسیت بهانه‌ای برای از بین بردن حقوق انسانی ما باشد". مدتی بود که در حدوده انفر از زنان کارآموز قضائی در دادگستری دست به تحصن زده بودند. علت این تحصن، جلوگیری مقامات مربوطه از قاضی شدن آنها بود.

این عده از کارآموزان قضائی دوره مربوطه را با موفقیت طی کرده و میبایست با انجام سوگند قضائی، بصورت قاضی در دادگستری استخدام شوند. اما مقامات مربوط تنها به علت اینکه آنها زن هستند و گویان "نمی‌تواند قاضی باشد، از قاضی شدن آنها جلوگیری کرده‌اند. ۱۰ نفر عده کمی است، اما مسئله‌ای که این زنان بخاطر آن

متحصن شده‌اند مسئله بزرگی است و مربوط به تمام زنان، مربوط به تمام خلق و حقوق سیاسی و اجتماعی آنان می‌باشد. این فکر که گویا زنان قاضی بخاطر داشتن "رحم و شفقت ذاتی زنان" نمیتوانند جنایتکاران را به مجازات برسانند، توجیهی بیش نیست. این طرز تفکر که گویا انسانی تنها بخاطر زن بودن چیزی کم دارد، موجودی پست تر و حقیرتر از مرد است، عقلش کار نمی‌کند و نمی‌تواند درست را از نادرست تشخیص دهد، طرز فکری بنیابت نادرست است که باید شدیداً با آن مبارزه شده و از بین وین برکنده شود.

تمام تاریخ انسانیت، تمام مبارزات خلقها در طی قرون، تمام سیر تکامل علوم و بطور کلی رشد انسان شاهده است که زنان هیچ چیز از مردان کم ندارند. آنها به علت وجود جا معه طبقاتی تنها به علت زن بودن مورد ستیم قرار دارند و مبارزه با این ستم جزئی از مبارزه تمام مردم علیه ظلم و استثمای روبری رهایی و سعادت است. هیچ خلقی نمی‌تواند بدون آزاد بودن زنان، آزادندگی کند و هیچ انقلابی بدون آزاد کردن زنان نمی‌تواند آزادی بخش باشد. **بقیه در صفحه ششم**

## «زیست نامه سیاسی» کیانوری

نورالدین کیانوری گرداننده، دارودسته رهبری حزب توده، هفته پیش طبعی مقاله‌ای در "مردم" (۲۳ خرداد)، با ردیگرچهره واقعی خود را بمردم نمایاند. او دکتر کریم سنجابی رهبر جبهه ملی ایران را موردیکی از بیشرمانه تریبن لجن پراکنی‌ها قرار داد. چرا؟ بخاطر اینکه چند هفته قبل دکتر سنجابی حقایقی را در مورد ماهیت دارودسته رهبری حزب توده گفته و انگشت را روی نقطه حساس آنها، یعنی بیگانگی پرستی و وابسته به روس بودن دارودسته کیانوری گذارده بود.

دکتر سنجابی در گفتگوئی با خبرنگاری پارس گفته بود: "حزب توده متأسفانه در گذشته نشان نداده است که یک حزب ملی و مستقل باشد و همواره دنبال روی یک سیاست خارجی بوده است. با سابقه عدم استقلالش و با سابقه پیروی مطلق از یک سیاست بیگانه، ما تصور نمیکنیم بتوانیم با آنها همکاری کنیم. اگر حزب توده از گذشته خود عبرت گرفته، با یارانشان دهد که یک حزب ایرانی است و برای ایران و با فکر ایرانی کار میکند".

کیانوری "حق" دارد که چنین برآشفته شود و لجن پراکنی کند، چونکه نه دارودسته‌اش ایرانی است نه برای ایران کار میکند و نه در فکر میهن ماست، دارودسته‌ای است روسی با اسم افراد ایرانی که برای وابسته کردن میهن ما به امپریالیستهای روسی فعالیت میکند و وقتی کسی این حقیقت بزرگ را به خلق میگوید، روشن است که دارودسته کیانوری بخشم میانند، چه نقاب از چهره‌شان دریده میشود و خلق ما هیت مزدورانها را بروشنی میبیند.



تولید و نیز اقداماتی که در جهت صنعتی کردن و مدرنیزه کردن کشور میشود پشیمان نمیکنند... (مردم شماره ۶۹ دوره ششم، اسفند ۴۹).

شادباش اسکندری به کنگره ۸ حزب رویزیونیست آلمان شرقی ("مردم" - ۷۱، خرداد ۱۳۵۰): بهمین جهت حزب توده ایران در عین اینکه از اقدامات مثبت در راه برانداختن مناسبات تولیدی ماقبل سرمایه‌داری و در جهت صنعتی کردن کشور و نیز بسط مناسبات اقتصادی و همکاری فنی با دولت اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی پشتیبانی میکند...  
نامه نویسی اعضای کمیته مرکزی حزب توده به هویدا و گدائی برای بازگشت مهاجران توده‌ای به ایران. مثلاً نامه حکمت‌جو (عضو کمیته مرکزی) و خاوری به هویدا:  
"انگیزه ما در نوشتن این نامه یادآوری آن مسئولیت **بقیه در صفحه دوم**

**کمکهای خود را**  
**به حساب بانکی زیر واریز نمایید:**  
**بانک ملی ایران**  
**تهران - شعبه خیابان ایرانشهر**  
**شماره حساب ۴۵۳۶۸**

**نشانی دفتر زنجیر**  
**تهران - خیابان مصدق**  
**پانزدهم تراز امیراکرم - کوی گودرز**  
**پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹**  
**نشانی پستی زنجیر - تهران**  
**صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴**